

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

عنوان درس:
جغرافیای اقتصادی ایران (۱): کشاورزی
(رشته جغرافیا)

تالیف: عبدالرضا فرجی
(۱۳۷۴)

انتشارات دانشگاه پیام نور

تهیه کننده: دکتر زهرا عربی
«عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور»
سال ۱۳۸۵

هدف کلی درس:

در این درس دانشجویان ضمن آشنایی با جغرافیای اقتصادی و محیطه آن از توان و ظرفیت ویژگیهای طبیعی، انسانی و منابع کشور اطلاع حاصل نموده و در نتیجه با توجه به وضعیت منطقه ای و اقلیمی ایران، از کم و کیف جغرافیائی کشاورزی کشور مطلع می گردند.

جایگاه درس

این درس مربوط به کارشناسی

رشته جغرافیا به ارزش ۲ واحد

درسی می باشد.

نواحی کوهستانی

پستی و بلندی یا کوهها و دره های
ایران برای کشور اهمیت حیاتی
دارند. کوههای دور تا دور کشور و نیز
کوههای درونی که جمعاً حدود نیمی
از مساحت کشور را پوشانده اند هر
یک در تهیه آب و آبادانی نقش
بسیزایی دارند

دیواره کوهستانی ایران دو گونه
آب و هوای متمایز را برای کشور
به وجود آورده است. یکی آب و
هوای منطقه درونی که بیشتر آن
سرد و خشک است و دیگری منطقه
برونی یا کناره که از نوع معتدل و
پر آب و نمناک است.

اراضی ناهموار اگر چه برای فعالیتهای
کشاورزی نامناسب است، ولی در صورت
اعمال مدیریت صحیح در جهت حفاظت و
بهره برداری از پوشش گیاهی، پتانسیل
مناسبی برای فعالیتهای دامپروری خواهد
داشت. گذشته از این پتانسیل های تولید
برق، بهره برداری از معادن، صنعت
جهانگردی و ایجاد پارکهای ملی را نیز
دارد

از نظر اقتصادی، کشاورزی جز برای
خودکفایی در سطح کوچک و در
اراضی با شیب ملایم دره ها، در مناطق
کوهستانی مقرون به صرفه نیست.
ناهمواری اراضی و سختیهای فیزیکی
و اقلیمی در فضای کوهستان، بازده
تولید را کاهش و هزینه تولید را
افزایش می دهد.

در مناطق کوهستانی دامپرووری به
عنوان نوعی بهره برداری از ارضی و
منابع فضاهاى کوهستانی فعالیتى
مقرون به صرفه است. در ایران به علت
وجود تنوع و تضاد آب و هوایی در
نواحى کوهستانی (بیلاق و قشلاق)
همجوار، دامداری به صورت گله داری
متحرک و یا کوچ رو دایر بوده است و
هنوز نیز وجود دارد.

اقتصاد دامداری کوهستانی به حفظ
توازن میان تعداد دام و وسعت و
غنای مراتع موجود بستگی دارد. برای
حفظ این تعادل سیستم فعالیت و
غیرمتمرکز ولی کنترل شده ای لازم
است، تا همهٔ مراتع در زمان در حد
مناسب و مجاز مورد بهره برداری
قرار گیرند.

در ارتباط با مناطق کوهستانی کشور به سه مورد باید توجه داشت.

۱- توجه بیشتر به ماهیت خاص محیط فیزیکی مناطق کوهستانی یعنی تأثیرات چند جانبه، شیب، ناهمواری، ارتفاع، دسترسی دشوار یا حمل و نقل مشکل، خاک کم عمق، ریزش کوه، زلزله و غیره در برنامه ریزیهای توسعه و آمایش سرزمین.

۲- توجه به اهمیت سلامت فضای کوهستان در سلامت اکولوژیک کل کشور خصوصاً از نظر منابع آب.

۳- توجه به ماهیت خاص نظامهای بهره برداری از منابع طبیعی که در ساختار اجتماعی و فرهنگی ساکنان منزوی و جسور این مناطق منعکس است در برنامه ریزیهای توسعه اقتصادی این مناطق.

سرزمینهای هموار

بجز نواحی کوهستانی قسمت اعظم مناطق شمالی، مرکزی و جنوبی کشور را بیابانها و نیز جلگه ها تشکیل می دهد که مهمترین آنها جلگه های پست و ساحلی دریای خزر، جلگه خوزستان و سواحل جنوبی و بیابانها و کویرهای مرکزی کشور است.

جلگه های پست و ساحلی دریای خزر
دو استان گیلان و مازندران را
شامل شده و بیش از ۷۰۰ کیلومتر
گسترش یافته اند. این ناحیه هلالی
شکل، که البرز در جنوب آب واقع
شده است دارای ۲۵ تا ۳۵ کیلومتر
عرض می باشد.

شرایط طبیعی مناسب در
این ناحیه باعث کشت
متمرکز گشته و در آن
برنج، چای، پنبه، توتون،
ذرت و انواع صیفی جات
به خوبی به عمل می آید.

با اینکه این ناحیه فقط ۴ درصد کل مساحت ایران را در بر می گیرد، اما جمعیت متمرکز در آن تقریباً ۸/۱ جمعیت ایران را شامل می شود. جمعیت در این ناحیه به تبعیت از پراکندگی ساکن بخش و پراکنده است. شهرها زیاد و فواصل آنها نزدیک است.

سواحل جنوبی شامل جلگه خوزستان و زمینهای پست ساحل خلیج فارس می باشد. این منطقه در دهه های اخیر به خاطر ذخایر عظیم نفت و صنایع وابسته به آن مورد توجه زیادی قرار گرفته است. از نظر طبیعی خوزستان یکی از مهمترین جلگه های رسوبی و وسیع ایران می باشد و جلگه شباخت به یک سه گوشه نامنظم دارد و دنباله جلگه عظیم بین النهرین است.

این جلگه بسیار حاصلخیز و استعداد
طبیعی آن برای کشاورزی مناسب
است. کشاورزی در جلگه خوزستان
وابسته به رود کارون می باشد که
از وسط جلگه خوزستان می گذرد
محصولات عمده خوزستان را غلات،
چغندر قند، نیشکر، پنبه و خرما
تشکیل می دهد.

برخلاف جلگه خوزستان توانایی
کشاورزی سواحل جنوبی به علت
اینکه اغلب رودهای جاری به این
زمینها به آبهای شور و نمکی مبدل
می شود، بالا نیست. از طرفی این
رودها خود به وجود آورنده
باطلاقیهای نمکی در اراضی وسیع
می شوند.

در حوضه های بیابان مرکزی به هیچ
وجه کشاورزی و یا فعالیتهای
دامداری صورت نمی گیرد. جمعیت
بی نهایت پراکنده و به ندرت در هر
کیلومتر یک نفر یافت می شود. بیشتر
جمعیت در طول حواشی حوضه های
بیابانی و در جایی که شرایط سخت
طبیعی کاسته می شود و پخش
گردیده اند.

ویژگیها و توانهای محیط طبیعی ایران
اوضاع طبیعی و جغرافیایی هر کشور،
تأثیر مستقیمی بر چگونگی تحولات
اقتصادی آن کشور دارد. منتهی
پیشرفتهای به دست آمده در زمینه
علوم و فنون بر کم و کیف این تأثیر
حاکم و ناظر شده است.

موقع جغرافیایی هر کشور، اعم از موقع
ریاضی یعنی طول و عرض جغرافیایی بر
روی کره زمین، یا دوری و نزدیکی از
خط استوا و موقع نسبی یعنی وضع
ناهموارها و ارتفاع آن از سطح دریا،
دوری یا نزدیکی به اقیانوسها و محاط
بودن در خشکی، همسایگان و رابطه با
آنان در چگونگی فعالیت اقتصادی تاثیر
مهمی دارد.

آب و هوا یا شرایط اقلیمی که به دلیل
موقع ریاضی و وضع ناهمواریها،
چهره اقتصادی هر کشوری را رقم
می زند، از دیگر عوامل مهم تکامل
اقتصادی محسوب می شود. تناسب
میزان بارندگی با مکان و زمان کشت
نیز از شرایط ضروری برای فعالیت و
زندگی انسان به شمار می آید.

در مورد وسعت سرزمین و تاثیر آن در
تحوّلات اقتصادی نیز میتوان گفت اگر
وسعت کشوری زیاد باشد، احتمال تنوع
شرایط اقلیمی، وفور منابع زیرزمینی و
پوشش گیاهی در آن بیشتر است، میتوان
بین مساحت زیاد و شرایط مناسب برای
توسعه و تکامل جامعه، رابطه ای منطقی
برقرار کرد.

نزدیکی و دوری به دریاهاى آزاد نیز
از جمله عوامل موثر در رشد و توسعه
اقتصادى هر کشور محسوب مى شود.
امکان برقرارى ارتباطات دریایى با
کشورهای مختلف از گذشته های دور
موجب تبادلات فرهنگى و تجارى ایران
با دیگر کشورها بوده است. چنین عاملی
همواره زمینه ساز تحولات سیاسى –
نظامى در کشور نیز بوده است.

از منابع طبیعی دیگری که تاثیر
مستقیمی در روند تحولات اقتصادی
کشور دارد، منابع معدنی است.
معادن موجود را با توجه به نوع
کاربرد آنها می توان به چهار گروه
تقسیم کرد: معادن مواد اولیه
ساختمانی، معادن شیمیایی، معادن
سوخت و معادن فلزی.

معادن سوخت کشور را ذخایر
غنی و ذغال سنگ، نفت و گاز
طبیعی تشکیل می دهد. وجود
معادن ذغال سنگ در هر کشور،
در واقع فراهم آورنده امکانات
قابل توجهی در توسعه صنعتی
آن کشور است.

از دیگر منابع نفت کشور است
که به لحاظ فراوانی، ایران
را در ردیف یکی از مهمترین
کشورهای صادر کننده نفت
خام در جهان قرار داده
است.

وجود منابع سرشار گاز طبیعی
که ایران را در مقام دومین
کشور جهان از این نظر قرار
داده، امکانات بسیار عظیمی
را برای توسعه اقتصادی
کشور باعث شده است.

از معادن دیگری که در توسعهٔ
صنعتی و کشاورزی نقش
اساسی دارند، سنگ، آهن،
مس، روی، سرب، آلومینیوم
و فلزات کمیاب مانند منگنز،
کرم، و انادیم، نیکل، مولیبدن
و غیره است.

بررسی ساختار اقتصادی جمعیت ایران در بخش کشاورزی

جمعیت و نیروی انسانی به عنوان عامل
تعیین کننده حرکات اقتصادی مورد
بررسی قرار می گیرد.

امروزه رشد و توسعه اقتصادی ارتباط
مستقیم با کنترل جمعیت دارد. یعنی
رشد فزاینده موانعی در راستای توسعه
به وجود می آورد.

رشد انفجاری جمعیت نه فقط
مزمنترین بیماری د ر محرومترین
جامعه های جهان است بلکه خود
مهمترین عامل استمرار عقب ماندگی
و تشدید محرومیت این جوامع نیز
شمرده می شود. رشد جمعیت مدار
بسته ای از توسعه نیافتگی را به
وجود می آورد.

جمعیت جهان امروزه بسیار جوان است.
کودکان پائینتر از ۱۵ سال تقریباً نصف
جمعیت کشورهای جهان سوم را تشکیل می
دهند، در حالی که این گروه سنی فقط ۱/۴
جمعیت کشورهای توسعه یافته را شامل می
شوند. این وضعیت به معنای آن است که
کشورهای در حال توسعه در آینده ناگزیر از
سرمایه گذاری خیلی بیشتری در زمینه های
آموزش، بهداشت و ایجاد فرصتهای اشتغال
خواهند بود

رشد جمعیت

مقایسه نتایج سرشماری ها ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ نشان می دهد که جمعیت کشور در یک فاصله ۳۵ ساله بیش از ۳ برابر، نسبت شهرنشینی حدود ۲ برابر و تراکم بیولوژیکی یا حیاتی به بیش از ۲ برابر افزایش یافته است.

در سال ۱۳۷۰ بر طبق آخرین نتایج اعلام شده جمعیت کشور ۸/۵۵ میلیون نفر، نسبت شهرنشینی ۵۷ درصد تراکم حسابی ۸/۳۳ نفر در هر کیلوکتر مربع و تراکم حیاتی ۲/۳ نفر در هر هکتار بوده است.

اشکال مهمتر دیگری که در اثر رشد
بی رویه جمعیت گریبانگیر اقتصاد
کشور شده است مسئله رشد انفجاری
شهرها و شهرنشینی است.

بخش مهمی از این شهر گرای نامتعادل
به قیمت مهاجرت وسیع و گسترده
جمعیت روستایی به نقاط شهری پدید
آمده است.

نیاز جمعیت ایران به غذا

در دو دهه آینده با توجه به نرخ رشد جمعیت موجود در کشور، ۱۰۰ درصد بر جمعیت ایران اضافه خواهد شد و در نتیجه حتی برای نگهداری و حفظ وضعیت فعلی تغذیه نیز ناگزیر باید حداقل ۱۰۰ درصد بر عرضه مواد غذایی افزوده شود که این کار به سرمایه گذاری عظیمی در بخش کشاورزی و صنایع غذایی و تبدیلی نیاز دارد.

توزیع جغرافیایی جمعیت ایران
کشور ایران را از نظر توزیع جمعیت
می توان به ۳ قسمت تقسیم کرد:

الف- سرزمینهای متراکم از جمعیت

ب- سرزمینهای با جمعیت پراکنده

ج- سرزمینهای با جمعیت متعادل

الف – سرزمینهای متراکم از جمعیت:
جلگه های سواحل شمالی واقع بین
کوههای البرز و دریای خزر، استانهای
آذربایجان و نیمه شمالی زاگرس، سه
منطقه پر جمعیت کشور را تشکیل می
دهند. جلگه های سواحل شمالی، ۴
درصد، مساحت کشور است حال آنکه
۱۲ درصد جمعیت کل ایران را در خود
جای داده است.

استانهای آذربایجان واقع در
شمال غربی کشور و بخشهای
شمالی کردستان و زنجان که
منطقه ای تحت عنوان حوضهای
شمال غربی را تشکیل می دهند،
دومین منطقه پرجمعیت کشور را
در خود جای داده است.

سومین منطقه چر جمعیت کشور،
در نیمه شمالی زاگرس و نیز
ارتفاعات مرکزی بین سنندج تا
اصفهان است که بر روی هم
۸۱/۴ درصد مساحت کشور را
در بر گرفته و ۴۹/۷ درصد
جمعیت کشور را در خود جای
داده است.

ب- سرزمینهای با جمعیت پراکنده: بر خلاف سه منطقه پر جمعیت فوق، دو دست کویر و دشت لوت به نسبت کمترین جمعیت کشور را داراست. این دو دشت بر روی هم در حدود ۱۷ درصد مساحت کل کشور است، ولی فقط کمتر از یک درصد جمعیت کشور در آن جای دارد. کمبود آب، وجود خاکهای نمکدار وتوده های ماسه متحرک، عوامل اصل عدم جذب جمعیت در این منطقه به شمار می رود.

ج- سرزمینهای با جمعیت متعادل: جلگه
خوزستان و استان فارس، بخش
شمالشرقی استان خراسان و سرزمینهای
واقع بین البرز و زاگرس، دارای
جمعیت متعادل می باشند. جلگه
خوزستان که از توزیع نزولات جوی
کافی برخوردار نیست نگهداری جمعیت
متعادل آن مدیون ذخایر عظیم و
در حال استخراج نفت است.

ترکیب سنی جمعیت ایران

نزدیک به ۵۰ درصد از جمعیت ایران را افراد سنین ۱ تا ۱۴ سال تشکیل می دهند. علت افزایش درصد کودکان و نوجوانان باروری زیاد جمعیت شهری و روستایی، کاهش مرگ و میر در نتیجه بهبود بهداشت عمومی و رفاه نسبی اقتصادی است.

آمار جمعیتی ایران، گروه‌های سنی را به این شکل طبقه بندی می نماید.

گروه سنی ۱۴-۰ سال کودکان و نوجوانان،
۳۴-۱۵ سال جوانان، ۵۹-۳۵ بزرگسالان
و ۶۰ سال و بالاتر شامل پیران می شود.
اولین و آخرین گروه سنی معمولاً غیر
تولیدی بوده و حالت باروری نیز ندارند.
دومین و سومین گروه سنی به همان نسبت
که تولید کننده می نباشند بارور هم هستند.

الف – گروه کودکان و نوجوانان: این افراد کمتر از ۱۵ سال، ۶/۴۴ درصد از کل جمعیت ایران را شامل میشوند. این درصدا از ۵/۲۴ درصد در جزیره کیش تا ۴/۵۱ درصد از شهرستان سراب تغییر می کند. درصد گروه کودکان و نوجوانان در مناطق روستایی بالاتر از درصد این گروه در مناطق شهری است که نشان دهنده میزان زاد و ولد زیاد در جمعیت روستایی کشور است.

ب- گروه جوانان: گروه سنی
جوانان که افراد ۱۵ تا ۳۴ سال
را در بر می گیرد، ۲/۳۰ درصد
کل جمعیت کشور را شامل می
شود. درصد افراد در این گروه
سنی از ۹/۲۲ در شهرستان
تفرش و ۴/۵۶ در جزیره کیش
متغیر است.

ج- گروه بزرگسالان: گروه سنی بزرگسالان
۹/۱۹ درصد جمعیت کشور را شامل می شود
که اندکی کمتر از ۵/۱ کل جمعیت ایران
است. در گروه سنی بزرگسالان، شهرستان
بانه با ۶/۱۵ درصد پایینترین حد و شهرستان
فردوس با ۸/۲۴ درصد بالاترین حد
قرار می گیرد. درصد بزرگسالان در مناطق
روستایی و مناطق شهری تفاوت چندانی
ندارد.

د- گروه پیران: فقط ۳/۵ درصد جمعیت ایران را پیران تشکیل می دهند که در گروه سنی ۶۰ سال و بالاتر قرار گرفته اند. بخش مرکزی، شرقی و جنوبی ایران، درصد بیشتری از پیران کشور را در خود جای داده اند. علت زیادی این افراد در این نقاط را باید خرابی وضع اقتصاد نقاط مذکور و در نتیجه مهاجرت افراد جوانتر از این نقاط دانست.

در صد پیران کشور در مناطق روستایی و شهری وضع یکنواختی دارد که در ریشه یابی علل آن به دو مسئله باید توجه شود: اولاً پاک روستایی در طول عمر آنان دخالت داشته و جبران نبود مراکز درمانی و بهداشتی را که بیشتر در نقاط شهری هستند می نماید.

ثانیاً افراد مسن اغلب بعد از بازنشستگی به مناطق آبا و اجدادی خود باز می گردند.

ساختمان شغلی جمعیت ایران

جمعیت فعال اقتصادی مرکب از شاغلینی است که در یک نوع فعالیت سرگرم بوده و نیز جمعیت غیرفعال اقتصادی آنهایی هستند که قادر به انجام کار می باشند ولی در موقع آمارگیری بدون شغل و در جستجویکار بوده اند. جمعیت غیرفعال اقتصادی شامل کلیه کسانی می شود که دارای سال سن یا بیشتر بوده و در هیچ گونه فعالیت اقتصادی شرکت ندارند

جمعیت فعال در برگیرنده تمام کسانی می شود که در هفته حداقل ۸ ساعت کار عملی انجام داده و در مقابل کاری که انجام میدهند مزد دریافت می دارند و در طبقات شغلی زیر تقسیم می گردند.

۱- کشاورزی - باغداری و جنگلداری، شکار و ماهیگیری

۲- صنعت ۳- خدمات ۴- تجارت و بازرگانی

۵- راه و ساختمان سازی ۶- حمل و نقل،

انبارداری و ارتباطات

۷- برق، گاز، آب و خدمات بهداشتی

۸- معدن و امور استخراجی

۱- کشاورزی ، جنگلداری، شکار و
ماهیگیری: براساس آمار ۱۳۶۵
۲۹/۵ درصد از کل شاغلین ایران را
به خود اختصاص داده اند و از نظر
مقام اولین فعالیت اقتصادی را
تشکیل می دهند.

۲-صنعت: پس از فعالیتهای درجه اول یعنی کشاورزی و غیره، صنعت دومین عامل اشتغال از حیث نیروی کار محسوب می شود. از کل جمعیت شاغل کشور در سال ۱۳۶۵، ۱۳/۲ درصد آن به کارهای صنعتی مشغول بوده اند. نیروی کار شاغل در صنعت نیز شامل صنایع دستی و کارخانه ای می گردد.

۳- خدمات: خدمات اداری،
آموزشی، بهداشتی، نظامی و..
در سال ۱۳۶۵، ۲۸/۶ درصد از
جمعیت شاغل را به خود
اختصاص داده و در بین
اشتغالات گوناگون کشور، جای
خاصی دارد.

۴- تجارت و بازرگانی: تجارت و بازرگانی با ۹/۷ درصد از جمعیت شاغل در سال ۱۳۶۵، از نقطه نظر مرتبه اشتغال و جاذبه های مربوط به جایگاه نه چندان مناسبی داشته است. تقریباً در خیلی از مناطق کشور درصد شاغلین به این حرفه کم و در بیشتر مناطق پایینتر یا کمتر از یک درصد و در سایر مناطق این نسبت بین ۱ و ۱۵ درصد در تغییر می باشد.

۵- راه و ساختمان سازی: راه
وساختمان سازی در ۱۳۶۵، ۱۱ در
صد از جمعیت شاغل کشور را جذب
نموده و در میان ساختمان شغلی
کشور مرتبه تقریباً بالایی را دارد.
نزدیک به ۹۵ درصد شاغلین مرد و
حقوق بگیری هستند و بقیه کارفرما
بوده و یا برای خودکار می کنند.

۶- حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات:
کارگران شاغل در حمل و نقل، انبارداری و
ارتباطات، ۵/۶ درصد از همین جمعیت را
در سال ۱۳۶۵ به خود اختصاص
داده اند.

۷۵ درصد کارگران امور فوق در مراکز شهری
متمرکز گردیده اند و در مناطق ساحلی
جنوب، مناطق ساحلی شمال و استان تهران از
سایر مناطق کشور نسبتاً بالاتر
می باشد.

۷- برق، گاز، آب و خدمات بهداشتی:
در سال ۱۳۶۵ فقط ۸/۰ درصد از
جمعیت شاغل کشور در خدمات فوق
مشغول فعالیت بوده اند.

بیشتر شاغلین این رشته های خدماتی
در استخدام دولت و تعداد کمی از
آنها مرد و حقوق بگیر سازمانهای
خصوصی هستند.

۸- معادن و صنایع استخراجی: فعالیتهای معدنی و صنایع استخراجی در ایران فقط ۴/۱ درصد از نیروی کار کشور را به خود اختصاص داده است.

۹۰ درصد از کسانی که در این فعالیتهای مشغول می باشند حقوق بگیرند و آنهایی هم که خود مالک و یا برای خود کاری می کنند به رده های پایین مانند استخراج بعضی از انواع خاکها و یا سنگهای آهکی و غیره اهتمام دادند.

ترکیب ساختمانی جمعیت ایران

جمعیت ایران ساکن شهرها، روستاها و نیز گروههای ایلی تشکیل می دهند که وضعیت هر کدام به شرح ذیل است:

الف: شهر نشینی: شهرنشینی در ایران سابقه تاریخی دارد. برخی شوش، ری و هگمتانه را نخستین شهرهای مهم دنیا ذکر کرده اند. شوش قدیمی ترین شهر عالم بوده و شهر ری را به مناسبت قدمت آن شیخ البلاد هم خوانده اند.

در ایران فعلاً ملاک شهر از ده
رسماً عدد جمعیت است. به
این معنی که مراکز تجمع
بیش از ۱۰۰۰۰ نفر را شهر و
کمتر از این عدد را ده یا
روستا به شمار می آورند.

ب: روستا نشینی: روستا یا ده کوچکترین مرکز تجمع انسانی در کشور است و در سرشماری رسمی ایران کلیه نقاطی که جمعیت آنها کمتر از ۱۰۰۰۰ نفر است ده یا روستا نامیده شده است.

گروه مهمی از ساکنان روستاها از جهت کشاورزی غیر فعال محسوب می شوند. کسانی هم عملاً به کشت و زرع اشتغال دارند، قسمتی از سال را بیکار می مانند و فقط در فصل کشت و برداشت فعالیت دارند. این بیکاری پنهان در اکثر روستاها وجود دارد.

ج: گروه‌های ایلی: ایلات به جماعاتی گفته میشود که دارای مسکن ثابت نیستند و در چادر زندگی می کنند. ایلات به مقتضای فصل، کوچ می کند. در تابستان به مناطق سردسیر و یا ییلاق رفته و در زمستان به مناطق گرمسیر یا قشلاق می روند. دامداری از اشتغالات مهم این گروه به شمار می رود.

مهاجرت

یکی از تحولاتی که جمعیت در طول زمان انجام می دهد، مهاجرت و عوض کردن محل زندگی است. مهاجرتها به عوامل متعددی بستگی دارند. مهمترین علل مهاجرت آرزوی رفاه بیشتر و یافتن کار و به دست آوردن آزادیهای فردی و اجتماعی است. وجود بیکاری در روستاها از یک سو و جاذبه های بزرگ شهری و امید مزد بیشتر در صنایع شهری از سوی دیگر عوامل اصلی مهاجرت هستند.

در داخل کشور نیز مهاجرت‌هایی دیده می‌شود که
مهمترین آنها را می‌توان به شرح زیر خلاصه
نمود:

۱- مهاجرت فصلی و قطعی روستاییان به شهرها و
مراکز صنعتی

۲- مهاجرت مردم به شهرهای بزرگ و پایتخت

۳- جابه‌جایی بعضی از ایلات و عشایر به منظور
اسکان و حرکت به ییلاق و قشلاق

۴- مهاجرت ساکنان مناطق جنگی به دیگر شهرها

۵- مسافرت‌های تفریحی و تجاری و غیره

زندگی و نوع معیشت جمعیت در ایران
معیشت عبارت از مجموعه اعمال و عاداتی
است که جوامع بشری به وسیله آن از طریق
منابع طبیعی، به کمک استعداد خود نیازهای
مادی خویش را تامین می کند.

در جوامع مختلف ایران، دو نوع زندگی و
معیشت اصلی را میتوان تشخیص داد یکی
زندگی کوچ نشینی که مبتنی بر گله داری و
پرورش دام است و دیگری زندگی یکجانشینی
که بر پایه زراعت و صنعت و تجارت است.

کوچ نشینی

کوچ نشینی عبارت از تغییر مکان یا جابه جایی مداوم یا موسمی گروه‌های انسانی است که بنا به مقتضای طبیعت، به منظور ارتزاق انسان یا دام صورت می‌گیرد. در ایران، کوچ‌روها چند ماهی را در سردسیر (بیلاق) و چند ماهی را در گرمسیر (فشلاق) و مدتی را در بین راه به سر می‌برند.

سردسیر و گرمسیر: سردسیر یا ییلاق، منطقه کوهستانی مرتفعی است که به سبب داشتن ارتفاع بیشتر، نسبت به نقاط همجوار دارای هوایی سردتر و بارانی بیشتر می باشد.

بزرگترین عامل ایجاد کننده سردسیر و گرمسیر، عامل ارتفاع از سطح دریاست

متوسط ارتفاع مناطق سردسیری ۲۱۰۰ متر

متوسط ارتفاع مناطق گرمسیری ۹۰۰ متر

تفاوت ارتفاع ۱۲۰۰ متر

محل سردسیری و گرمسیری برخی از ایلات ایران

نام ایل	محل سردسیری	محل گرمسیری
ایل سون	دامنه های سبلان	دشت مغان
بختیاری	کوههای بختیاری	مناطق جلگه ای خوزستان شمالی
قشقایی	دامنه های شرقی دنا	جلگه های جنوب فارس
بویر احمد	ارتفاعات شمالی کهگیلویه	مناطق از ممسنی و کهگیلویه جنوبی
ایلات لرستان	دامنه های کبیر کوه	لرستان جنوبی و خوزستان شمالی

زمان کوچ: زمان کوچ به طور کلی بسته
به وضع اقلیم محلی است. معمولاً
سردسیر هنگامی صورت می گیرد که
مراجع سردسیر قابل بهره برداری و
هوای آنجا برای زیست مساعد باشد.
اردیبهشت ماه فصل کوچ ایلات مختلف
ایران از گرمسیر به سردسیر است و در
شرایط معمولی تا پایان این ماه به
سردسیر می رسند.

ایل راه: جاده ای که سردسیر و
گرمسیر یا ییلاق و قشلاق عشایر را به
هم متصل می نماید «ایل راه» نامیده
می شود. طول ایل راه ممکن است از
چند کیلومتر تا چند صد کیلومتر باشد
که با در نظر گرفتن این طول راه،
نوعی کوچ یعنی کوچ کوتاه و کوچ
بلند معین می گردد.

هر محل استقرار را یک «منزل»
می نامند. محل هر منزل در طول
سالها مشخص و شناخته شده
است. فاصله بین منازل ایل راه
یکسان و برابر نیست و این فاصله
ها بر اساس امکانات استقرار
تعیین گردیده است.

سبک زندگی و معیشت ایلات کوچ نشین ایران:
ایلات و کوچ نشینها، بخشی از مردم هستند که
فعالیت آنها بر روی زندگی جوامع یکجانشین
اثر زیادی می گذارد. فعالیتهای تولیدی
جوامع عشائیری را میتوان به سه دسته کلی
تقسیم نمود:

- ۱- فعالیتهای دامپروری و تولید محصولات دامی
و فرآورده های لبنیاتی
- ۲- تولید محصولات کشاورزی
- ۳- تولید کارهای دستی

وضع مبادلات ایلات به دو صورت
انجام می گیرد: یکی مبادله با داخل
گروه و دیگری مبادله با خارج گروه.
مبادلات داخلی چندان قابل ملاحظه
نیست زیرا تولیدات تا حدودی در
بین ایلات یکسان و مشابه است ولی
مبادله خارج از گروه از اهمیت
خاصی برخوردار است.

مساکن چادر:

شکل اساسی مساکن چادری یا متحرک از آن کوچ نشینان می باشد. اساساً چادر نشینی مربوط به نوع کوچ نشینی است. چادر معمولاً واحد مسکونی خانوار کوچ نشین است.

یکجانشینی

مقابله با محیط و تشریک مساعی برای آسان ساختن مشکلات زندگی، اساس یکجانشینی و اجتماع را تشکیل می دهد.

زندگی و نوع معیشت و یکجانشینان وابسته به کشاورزی و بهره برداری از امکانات طبیعت است. اصطلاح زندگی یکجانشینی در مقابل زندگی کوچ نشینی قرار دارد. یکجانشینی از آن نوع زندگی و معیشتی است که برخلاف زندگی و معیشت کوچ نشینی در محلی ثابت تامین می گردد.

۱- زندگی و نوع معیشت جمعیت
روستایی: معیشت عمده روستاییان
ایران در درجه اول از راه کشت زمین
به ویژه غلات است. در مراحل بعد، به
ترتیب، صیفی کاری و باغداری،
دامداری و بالاخره، صنایع دستی حائز
اهمیت است. آنچه که معمولاً در همه
وجود دارد، همان کشت غلات است و لو
به میزان مختصر و بازده کم باشد.

مساکن روستایی:

در مساکن روستایی شکل خانه ها عموماً تابع مقتضیات طبیعی و مواد و مصالح است که طبیعت در دسترس مردم آن منطقه می گذارد. در حقیقت، مساکن روستایی تابع شرایط طبیعی است. مساکن روستایی عموماً از مواد و مصالح چوبی، سنگی، آجر، خشت و گل ساخته می شوند.

۲- زندگی و نوع معیشت جمعیت شهری:
بیشتر معیشت در شهرها در درجه اول از راه
حرفه های صنعتی و تولیدی سپس در امور
اداری و خدمات و بالاخره از راه بازرگانی
و حمل و نقل تامین می شود.

ممکن است یک شهر نقش خاصی داشته باشد.
مقاصد ااری، نظامی و مذهبی گاهی سبب
پیدایش یا گسترش سریع مراکز سکونت
جوامع انسانی گردیده و آنها را به شهرهای
کوچک یا بزرگ تبدیل کرده است.

اگر مردم شهر بیشتر به امور
تولیدات صنعتی بپردازند، می
گویند شهری است صنعتی مثل
اراک و اصفهان. اگر شهر نقش
دفاعی داشته باشد، شهری
نظامی خواهد بود، مانند
پیرانشهر که یک شهر نظامی
است.

یک شهر ممکن است به خاطر مرکزیت مذهبی اهمیت و رونق یافته باشد مانند قم و مشهد که به شهرهای مذهبی معروف اند. چنانچه شهری نقش تفریحی داشته باشد به شهر توریستی معروف است. البته بسیاری از شهرهای مهم ایران از جمله تهران که بیشتر ذکر شد، چند جنبه از جنبه های فوق را دارند.

مساکن شهری: شکل مسکن و خانه در شهرها بیشتر وابسته به مواد و مصالحی است که در دسترس است. در شهرها، مسئله مسکن غامضتر و پیچیده تر از روستاهاست، چه در شهرها مکسمن تابع تحول در مواد و مصالح ساختمانی است که پیوسته جوامع شهری را بیشتر از جوامع روستایی به دنیا خود می کشد. توزیع جغرافیایی مصالح به کار رفته در مناطق شهری و روستایی، با مقتضیات محیط و سطح زندگی و درآمد مردم مرتبط است.

منابع طبیعی ایران

الف- منابع آب: ایران در جنوب منطقه معتدله شمالی واقع شده، و به علت موقعیت خاص جغرافیایی و ناهمواریهای بسیار پراکنده و تاثیر دیگر عوامل از جمله توده های هوایی خارج و غیره از مناطق خشک جهان به شمار می رود. میزان متوسط بارندگی سالانه در کشور حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیمتر و به عبارتی کمتر از ۱/۳ متوسط باران سالانه کره زمین (۸۶۰ میلیمتر) است.

یکی از مشکلات مسئله آب در ایران

توزیع نامتناسب بارش در نواحی مختلف و اتلاف شدید آن در کویر مرکزی بر اثر تبخیر است.

از مشکلات دیگر توزیع نامتناسب زمانی آن است. اگر بیشترین بارش در مناطقی است که مساحت کمتری دارد، بیشترین مقدار باران نیز به دلیل خصوصیت مدیترانه‌ای، بیشتر در فصولی می‌بارد که در هنگام کشت نیست.

همچنین به علت کم بودن میزان بارش، به جز در شمال و غرب کشور، تعداد رودهای دائمی و پر آب بسیار اندک است. بنابراین در برخی از نقاط ایران یا آب نیست یا اگر هم وجود دارد یا شور است و یا کم.

در کشور ایران آب به چهار صورت ویا از
چهار منبع مورد استفاده قرار می گیرد
که در واقع منبع اصلی واولیه آنها
بارندگی است.

۱- باران (استفاده مستقیم از آب باران)

۲- آبهای سطحی

۳- آبهای زیرزمینی

۴- آبهای نمک زدایی شده

آبهای سطحی

آبهای سطحی را میتوان به دو دسته تقسیم نمود یکی آبهای جاری شامل نهرها و رودها و دیگری آبهای راكد یا بسته مانند دریا و دریاچه ها

رودها

به طور کلی، رودهای ایران را از نظر مقدار آب آنها می توان به دودسته تقسیم نمود:
یکی رودهای دائمی که پیوسته و به طور دائم در بستر آنها آب جریان دارد و دارای آبگیر مشخص هستند، و دیگری رودهای موقت یا فصلی که فقط در فصول پرباران دارای آب بوده و در سایر فصول کم آب و بلکه خشک می باشند و برخی دارای آبگیر مشخصی نیز نیستند.

رودهای ایران را از حیث جهت جریان آبها میتوان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول، رودهای دائمی و پر آب هستند که از کوههای البرز جاری شده و به دریای خزر می ریزند.

دسته دوم، رودهای پر آبی هستند که از کوههای زاگرس سرچشمه گرفته، همراه با آبهای جبهه غربی به خلیج فارس وارد می شوند.

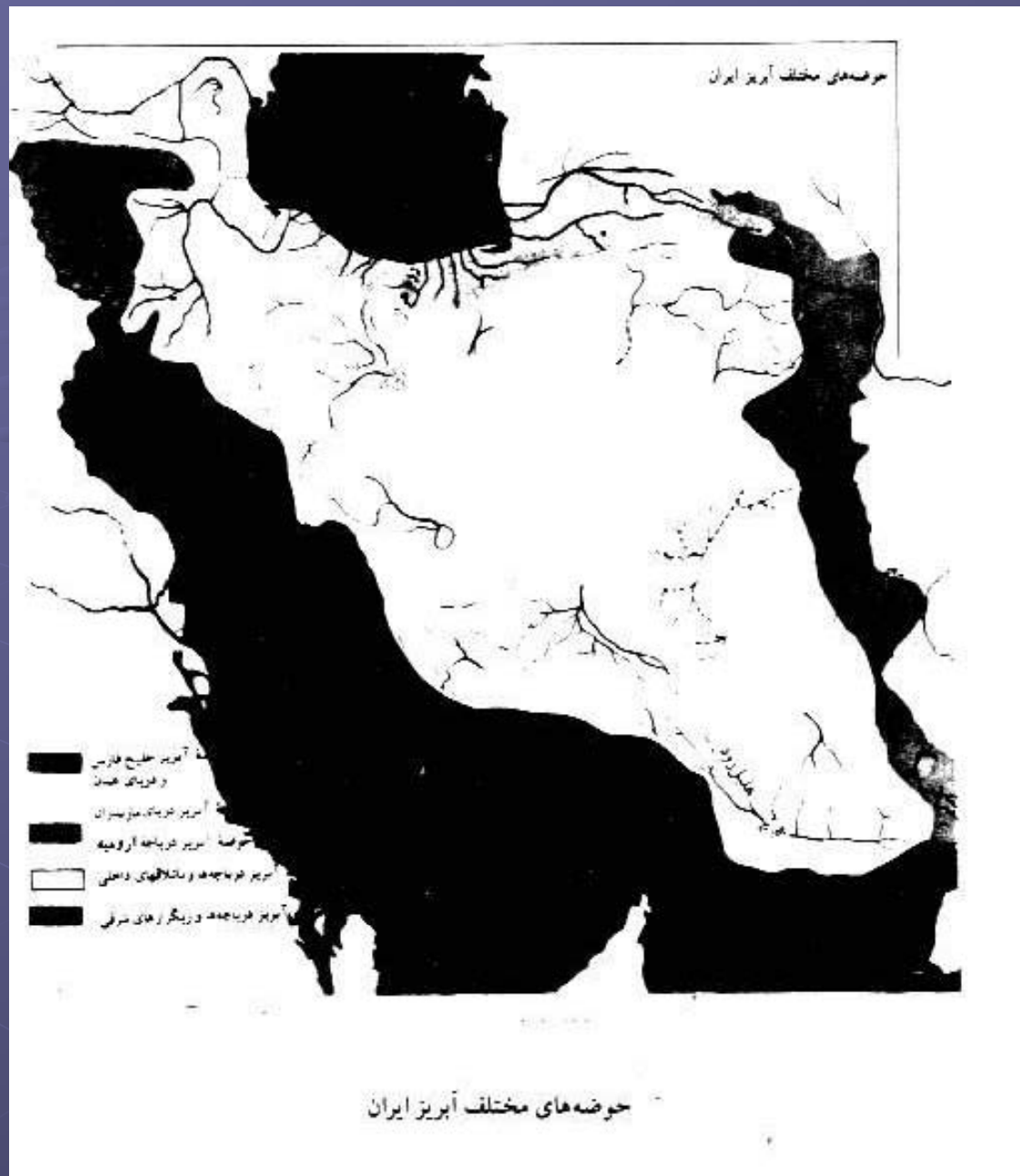
دسته سوم، رودهای کم آبی هستند که در سطح ایران جریان داشته به دریاچه ها یا باتلاقهای داخلی فرو می ریزند یا در اراضی داخلی نفوذ می کنند.

بدین ترتیب ، رودهای ایران از حیث
آبریزها به سه حوضه عمده تقسیم
میشوند:

۱- حوضه آبریز دریای خزر

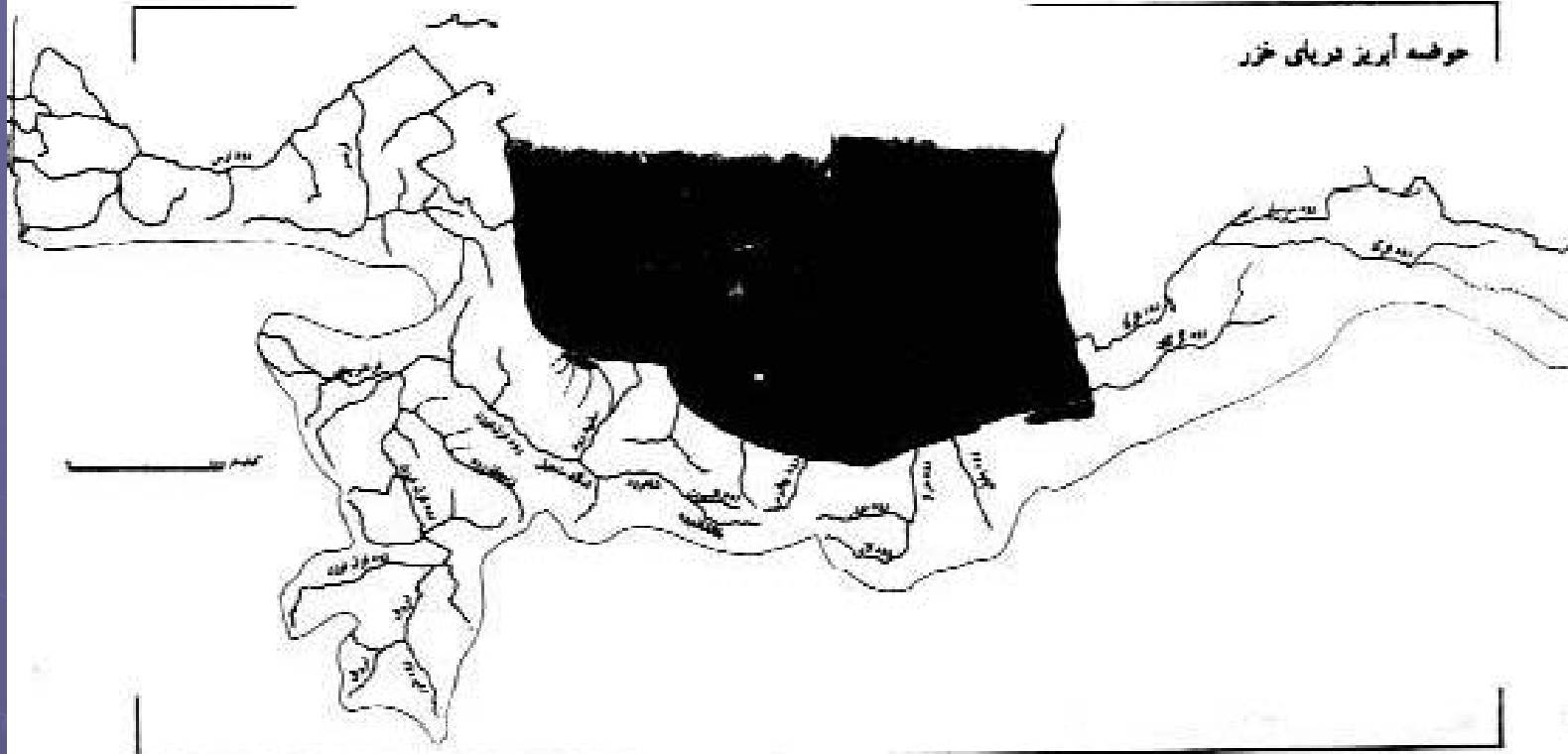
۲- حوضه آبریز خلیج فارس و دریای
عمان

۳- حوضه آبریز داخلی



۱- حوضه آبریز دریای خزر: دریای خزر
سطح پایه رودخانه هایی است که آبهای
ارتفاعات البرز، کوههای خراسان،
کوههای کردستان و قسمتی از فلات
آذربایجان را از حوضه ای به مساحت
تقریبی ۲۰۶۷۵۰ کیلومتر مربع کشیده و
به حوضه جنوبی این دریا می رساند.
حوضه مزبور از بیش از ۳۵۰ رودخانه
کوچک و بزرگ بهره می برد.

حوضه آبریز دریای خزر



حوضه آبریز دریای خزر

مهمترین رودخانه های این حوضه از مغرب به مشرق عبارت اند از: ارس، سفید رود، چالوس، هراز، گرگان واترک

رود ارس: رود ارس از کوههای هزار برکه (مین گل داغ) در جنوب ارزروم در مشرق ترکیه سرچشمه گرفته، پس از گذشتن از سرزمینهای ترکیه، ارمنستان و آذربایجان در مرز بیه شکل قوسی که گودی آن به طرف ایران می باشد در سراسر شمالغربی کشور در جهت غربی - شرقی به سوی دریای خزر جریان می یابد. طول رود ارس در ایران حدود ۴۰۰ کیلومتر است

سفید رود:

سفید رود یکی از مهمترین رودهای حوضه آبریز دریای خزر است که به مقیاس کوچکتر قرینه رود و لگا در حوضه شمالی است.

شاخه اصلی که از کوههای چهل چشمه در کردستان سرچشمه می گیرد، و تا منجیل به طول ۵۰۰ کیلومتر به نام قزل اوزن نامیده میشود. در منجیل پس از تلاقی با شاهرود با نام سفید رود از دره طولانی و بسیار باریک به دریای خزر وارد می شود.

رود چالوس:

رود چالوس به طول ۷۲ کیلومتر از آبهای دامنه شمالی البرز (کندوان) تشکیل می شود و در کنار شهر چالوس به دریا وارد می شود دو شاخه اصلی این رود، یعنی زانوس و میخ ساز، پس از پیوستن به رود کندوان وارد رود چالوس می شوند.

رود هراز

رود هراز ۱۸۵ کیلومتر طول دارد و در بستر علیا به رود لار موسوم است. در ابتدا دارای بستر کوهستانی است که در مجرای تنگ و عمیقی سیر می کند و پس از عبور از پلور و اسک در جنوب و مشرق دماوند تشکیل قوسی داده و به طرف شمال جریان می یابد.

رود گرگان

رود گرگان از کوههای آلاداغ خراسان سرچشمه می گیرد از مشرق به مغرب در بستر عریض پر پیچ و خم جریان می یابد. این رودخانه در مشرق کوکلان از معبر کوهستانی گذشته و وارد دشت گرگان می شود و پس از عبور از دشت ترکمن و شمال گرگان با دو مصب وارد خلیج گرگان می شود.

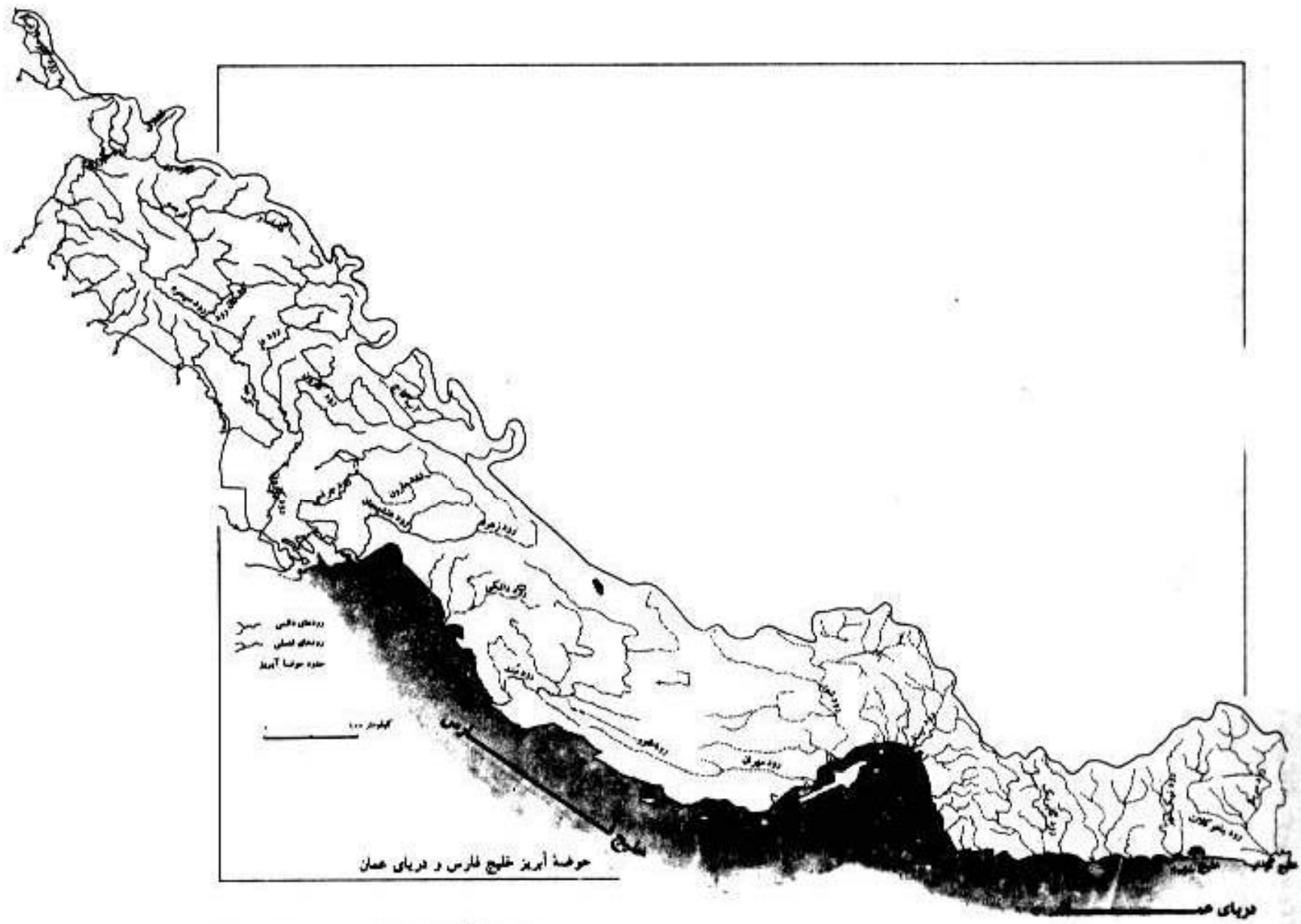
رود اترک

رودخانه اترک به طول ۵۳۵ کیلومتر یکی از بزرگترین رودهای ایران است که در دامنه های شرقی کوه هزار مسجد، حوالی قوچان در شمال شرقی ایران، سرچشمه می گیرد. این رود پی از مشروب ساختن دره حاصلخیز قوچان در جهت شرق به غرب جریان می یابد.

۲- حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان

این حوضه وسیعترین حوضه آبریز در
ایران است که از کردستان غربی تا
بلوچستان شرقی امتداد دارد و شامل
مجموع ناهمواریهای زاگرس و ارتفاعات
جنوب جازموریان است

برخلاف حوضه دریای خزر، که شبکه آن
فشرده و جریان رودها منظم است و
وجود تشابه در حالات رودخانه ها، نوع
حفره ها و کیفیت نوسانات دبی آنها
مشاهده می شود، شبکه خلیج بار،
رودخانه ها دور از هم و رژیم آنها
متفاوت است و مقدار آب آنها رو به
مشرق کاهش می یابد.



حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان

مهمترین رودخانه های این حوضه، از مغرب به
مشرق، عبارتند از: گاماساب، کارون، جراحی،
شور و میناب

رودخانه گاماساب

رود گاماساب از جنوب شهرستان نهاوند سرچشمه
می گیرد، پس از دریافت شعباتی از ملایر و
تویسرکان وهمدان از یک بستر باریک کوهستانی
می گذرد. در کرمانشاه، رود قره سو به آن ملحق
می شود. در لرستان در یک بستر سنگی و عمیق به
جریان خود ادامه می دهد.

رود کارون

رود کارون به طول ۸۹۰ کیلومتر، پرآبترین و درازترین رود ایران است این رود از ارتفاعات زردکوه بختیاری سرچشمه می گیرد.

پس از مشروب کردن جلگه خوزستان از وسط شهر اهواز می گذرد و به دو شاخه تقسیم می شود: یک شاخه به نام بهمنشهر، به موازات اروندرود جریان یافته و به داخل خلیج فارس می ریزد و شاخه دیگری به نام کارون از خرمشهر گذشته و به اروندرود می ریزد. بین این دو شاخه و خلیج فارس، جزیره آبادان قرار گرفته است.

رود جراحی

رود جراحی که از کوههای مشرق خوزستان سرچشمه می گیرد، این رود در باطلاق دورق دوشاخه می شود یک شاخه آن به نام شادگان به کارون می ریزد و شاخه دیگر که همان جراحی است به خور موسی وارد می گردد. رود جراحی یکی از پرآبترین رودهای حوضه خلیج فارس به شمار می رود.

رودهای شور و میناب

ابتدا وانتهای این دو رود یکی است. هر دو از کوههای داراب سرچشمه می گیرند و هر دو در تنگه هرمز به خلیج فارس وارد می شوند، که رود شور بعد از طی زمینهای باتلاقی و شنزار، در مدخل تنگه هرمز به خلیج فارس وارد می شود و رود میناب که دارای آب شیرین است در و شمال تنگه هرمز به خلیج فارس می ریزد.

۳- حوضه های آبریز داخلی

حوضه های آبریز داخلی با توجه به موقعیت جغرافیایی، تفاوت آب و هوا و اختلاف ارتفاع سطح پایه شبکه آنها به شرح زیر تقسیم بندی می شود:

حوضه آبریز غربی

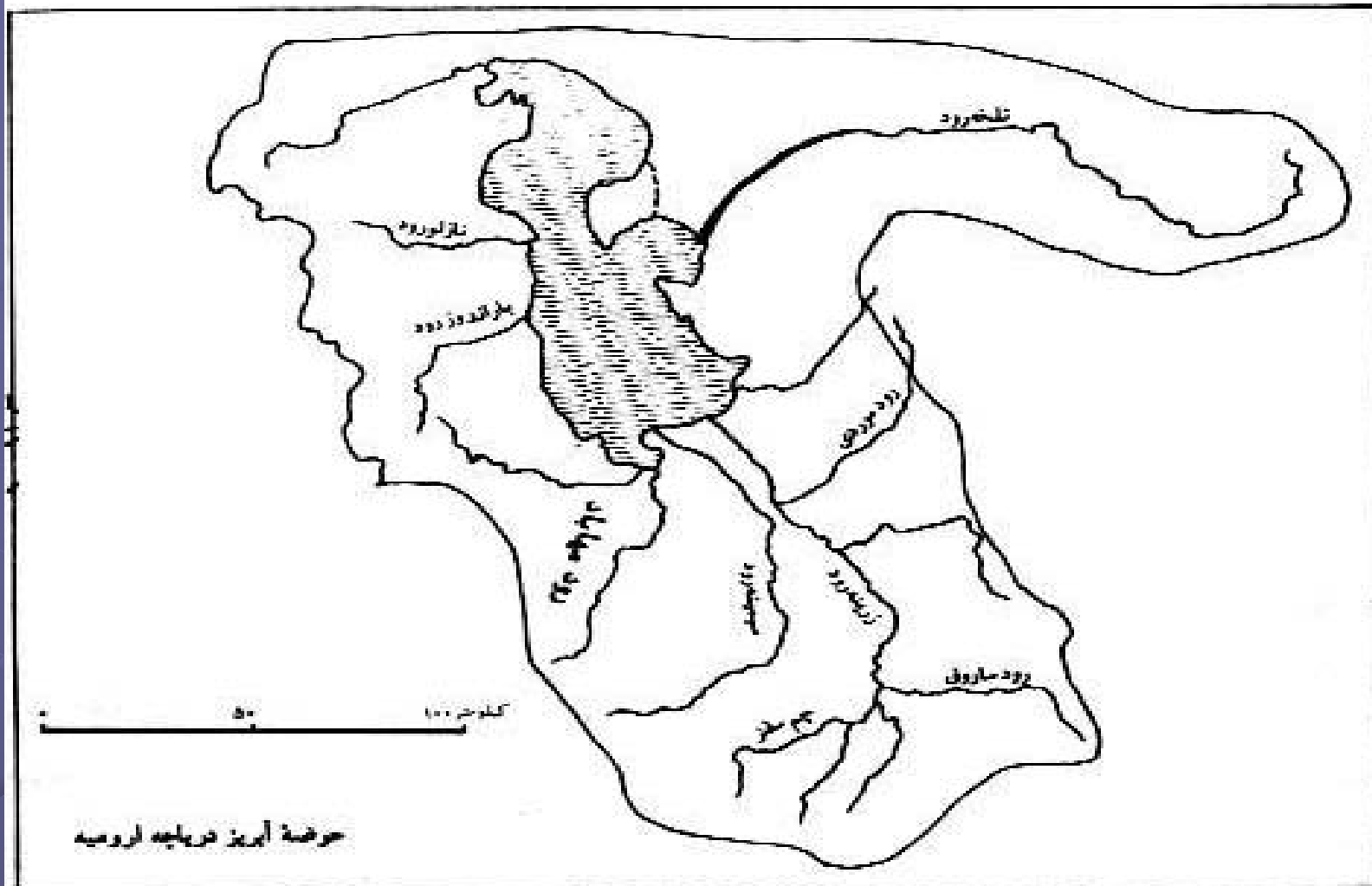
حوضه های آبریز مرکزی

حوضه های آبریز شرقی

حوضه آبریز غربی (دریاچه ارومیه)

دریاچه ارومیه گودال مستطیل شکلی است که موجب تقسیم طبیعی آذربایجان به دو قسمت شرقی و غربی می گردد.

پیدایش این دریاچه مربوط به دورهٔ ترشیاری است. با بالا آمدن ماسیف ارمنستان، دو شکست در طرفین ایجاد شده که یکی دریاچهٔ ارومیه و دیگری دریاچهٔ وان است. در وسط دریاچه، حدود ۵۶ جزیرهٔ کوچک و بزرگ وجود دارد که از همه معروفتر جزیرهٔ اسلامی است.



حوضه آبریز دریاچه ارومیه

مهمترین رودها این حوضه، عبارت اند از:

تلخه رود، زرینه رود و سیمینه رود.

تلخه رود (آجی چای): این رود از دامنه های

جنوبی کوه سیلان در سراب سرچشمه می

گیرد و در جهت شرقی - غربی جریان می

یابد. به علت عبور از زمینهای شوره زار و

نمکی، آب آن شور و تلخ است. همچنین به

واسطه وجود املاح رسی و اکسید آهن، آب

آن به رنگ قرمز می شود و بدین جهت در

تبریز سرخاب نیز نامیده می شود.

زرینه رود:

زرینه رود از کوه‌های چها چشمه کردستان سرچشمه می‌گیرد. پی از اینکه چند شاخه به آن می‌پیوندد، با ایجاد جلگه وسیع آبرفتی از جنوب شرقی به دریاچه ارومیه می‌ریزد. این رود بزرگ، پر آب و دارای آب شیرین است و میتوان گفت درازترین و پر آبترین رودخانه حوضه آبریز دریاچه ارومیه می‌باشد.

سیمینه رود:

این رودخانه در حوضه ای کوچکتر در مجاورت زرینه رود جریان دارد. این رود از کوههای سقز و بانه سرچشمه می گیرد. پس از عبور از میاندو آب به باتلاقهای جنوبی دریاچه می ریزد. بین زرینه رود و سیمینه رود جلگه ای است که آنرا میاندو آب (میان دو آب) می نامند. این رود دارای آب شیرین است.

حوضه های آبریز مرکزی

در فاصله کوههای بینالود و آلاداغ در خراسان، دامنه جنوبی البرز در شمال؛ پیشکوههای داخلی زاگرس در مغرب و جنوب و دامنه های غربی کوههای کرمان و طبس، حوضه های آبریز پهناور مرکزی ایران وجود دارند که مساحت آن بیش از ۴۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع است.

حوضه آبریز دریاچه قم (دریاچه نمک)

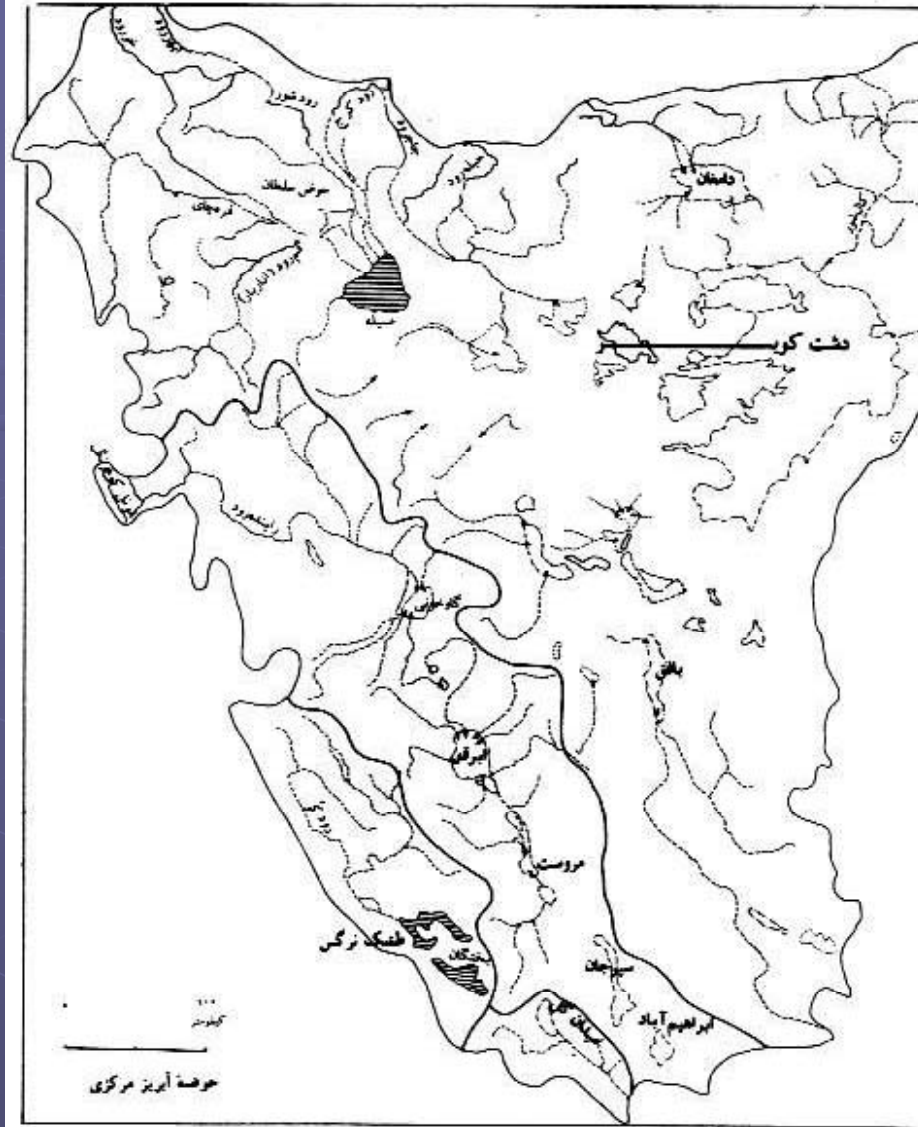
حوضه آبریز با تلاق گاوخونی

حوضه آبریز دریاچه های نیریز، مهارلو، پریشان

حوضه آبریز دریاچه قم

این دریاچه در جنوب تهران واقع است و مساحت آن حدود ۲۴۰۰ کیلومتر مربع است. طول آن حدود ۸۰ کیلومتر و پهنای آن ۳۰ کیلومتر میباشد.

در موقع پرآبی، سطح دریاچه گسترش پیدا کرده، اراضی پست و شورزاره و باتلاقی پیرامون خود را می پوشاند و به صورت دریاچه بزرگتری در می آید که به نام دریاچه نمک مشهور است.



حوضه آبریز مرکزی

رود کرج

این رود پر آبتترین رود دامنه جنوبی البرز می باشد و جهت آن از شمال به جنوب است. رود کرج در منطقه کوهستانی رودی دائمی و در دشت پایکوه، فصلی است و در مجاور مسیله ویژگی رودهای اتفاقی را دارد.

حوضه آبریز باتلاق گاوخونی:

این باتلاق که در جنوب شرقی اصفهان قرار دارد در حقیقت دریاچه ای از آب شور است که ناشی از وجود زاینده رود می باشد. مهمترین رودی که به این باتلاق می ریزد، زاینده رود است.

زاینده رود:

زاینده رود پرآبترین و بزرگترین رودخانه فلات مرکزی است که از دامنه های کوههای بختیاری (زردکوه) سرچشمه می گیرد و در آن قسمت به نام چشمه جانان معروف است. جریان رودخانه از مغرب به مشرق بوده ، از اصفهان عبور کرده وارد باتلاق گاوخونی می شود.

حوضه آبریز دریاچه بختگان (نیریز)

دریاچه نیریز در شمال استهبان در ۵۰ کیلومتری شرق شیراز میان دو رشته کوه موازی در ارتفاع ۱۵۵۰ متری قرار دارد. عمق این دریاچه بسیار کم و آب آن توسط رود کر تامین می شود.

رود کر: رودخانه کر از ناحیه کوهستانی شمال فارس سرچشمه می گیرد و پس از پیوستن چند شاخه به آن که معروفترین آنها شعبه پلوار می باشد، به سوی جنوب جریان می یابد.

در فارس به غیر از دریاچه بختگان در بین کوهها گودالهای کم و بیش وسیعی دیده می شود. دریاچه مهارلو و دریاچه پریشان از آن جمله اند.



حوضه آبریز شرقی و جنوب شرقی

حوضه آبریز شرقی و جنوب شرقی

حوضه های آبریز شرقی

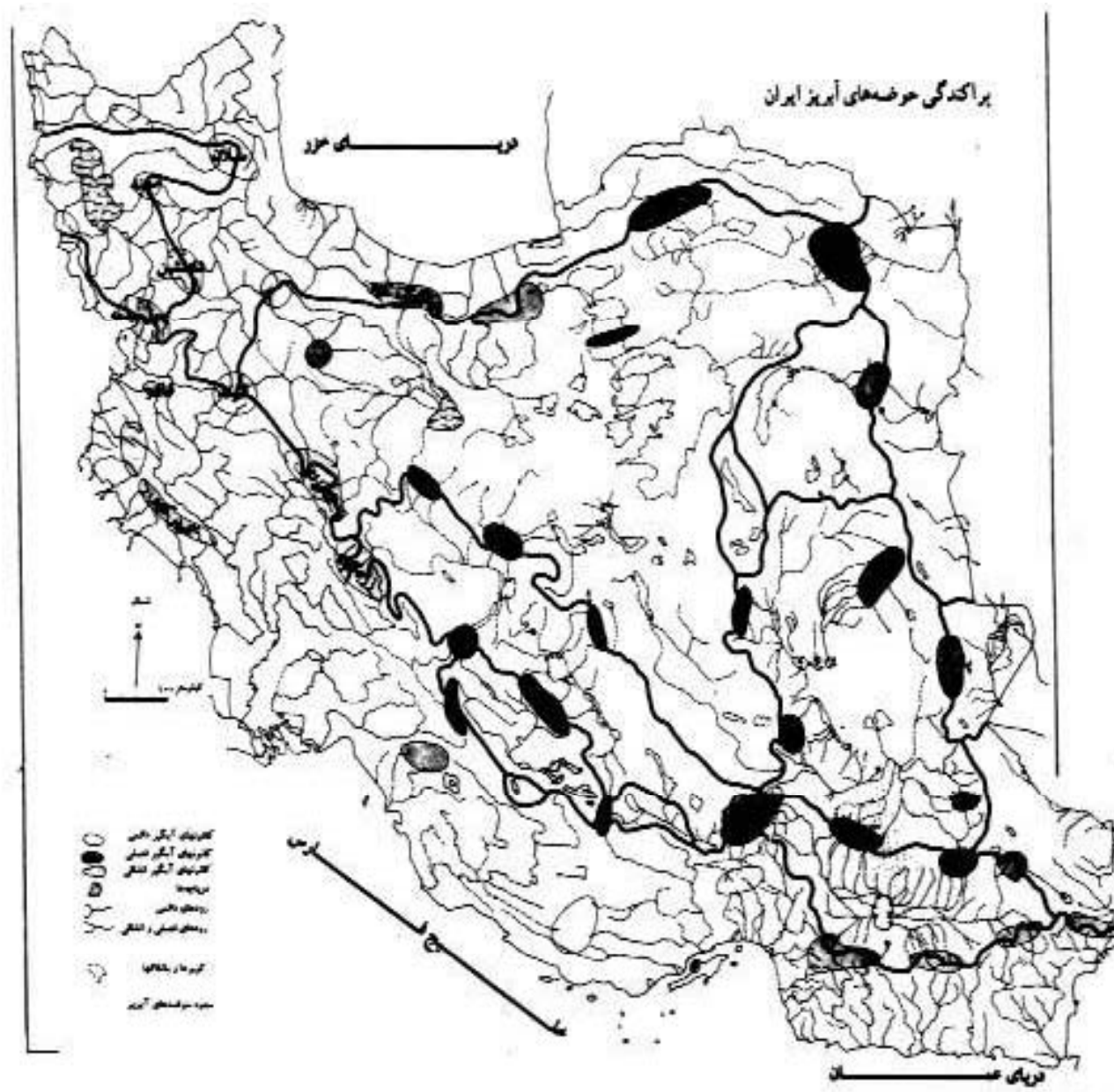
در مشرق ایران، در حد فاصل بن فلات ایران و افغانستان منطقه پستی قرار دارد که از شمال به جنوب، از مجموعه ای از عوارض، مرکب از دره ها و دشتهای گودالها و باتلاقها تشکیل یافته هریرود که در سر حد ایارن تجن نامیده می شود، دره خود را در همین سرزمین پست رو به شمال حف کرده و قسمتی از بستر آن مرز ایران و افغانستان را تشکیل داده است. رود هیرمند نیز در بستر سفلی به قسمت جنوبی این اراضی پست پیوسته است.

از بزرگترین حوضه های آبریز این منطقه که مهمترین حوضه های شرقی ایران نیز به شمار می رود، دریاچه هامون و باتلاق جازموریان است.

حوضه آبریز هامون

گودال یا دریاچه هامون، پست ترین عارضه این منطقه است که ارتفاع آن از سطح دریا در حدود ۵۰۰ متر می باشد. اطراف این دریاچه باتلاق و نیزار است. هیرمند تنها رود مهمی است که در خاک ایران به دریاچه می ریزد.

رود هیرمند: رود هیرمند از مجموعه کوهستانی بسیار مرتفعی به نام کوه بابا واقع در جنوب غربی کابل سرچشمه گرفته نر کوهک به دو شاخه تقسیم می شود: یکی به نام رود سیستان که در جهت شمال غربی جریان می یابد. و وارد دریاچه هامون می گردد. دیگری رود پریان است که به شمال می رود و دوباره وارد خاک افغانستان می گردد.



پراکنده‌گی حوضه‌های آبریز ایران

حوضه آبریز جازموریان

فرورفتگی جازموریان در بلوچستان در میان کوههای نسبتاً مرتفع کرمان و بلوچستان واقع شده شیرینی آب اینباتلاق، برخلاف بسیاری از باتلاق ها و کوئیرهای داخلی ایران، نشان میدهد که در دورانهای اخیر ارتباط آن با دریا قطع شده است. جازموریان در فصل تابستان گاهی به کلی خشک می گردد. مهمترین رودهایی که وارد آن می شوند، عبارتند از هلیل رود و رود بمپور.

ب) دریاها

دریای خزر

دریای خزر در شمال ایران، با وسعت ۴۲۴۰۰۰ کیلومتر مربع، بزرگترین دریاچه روی زمین است و به همین جهت به آن دریا نیز گفته می شود. این دریا بزرگترین قسمت باقیمانده از تجزیه دریای قدیمی تتیس است که در پالتوزوئیک تا ترشیاری از قطب شمال تا اقیانوس هند امتداد داشته است.

تغییرات سطح آب دریای خزر: نوسانهای ان تابع
چگونگی عوامل موثر از قبیل فشار هوا، تاثیر گرما
وسرما در آب، نزولات جوی بادهاست. همکاری آنها
با یکدیگر موجب نوسانهای سطحی می گردد.

۱- نوسانهای کم دوام: تغییرات کوتاهی است که
در سطح آب دریای خزر صورت می گیرد، نظیر
نوسانهای سطحی غالب دریاچه ها، که مدت آنها از
چند ساعت بیشتر نیست.

۲- نوسانات مربوط به باد: بادهای اثرات شدیدتری در
تغییرات سطح دریا دارند. بادهایی که از خشکی به
دریا می وزند سطح آن را پایین می برند وبادهایی
که از دریا به خشکی می ورزند سطح آب را بالا
می آروند.

۳- نوسانهای سالانه: بالا آمدن منظم سطح دریای خزر در طی سال، بسته به وضع جوی کیفیت نزولات در مناطق اطراف و بالاخره حجم آب رودخانه‌هایی است که بدان میریزند و پایین رفتن منظم آن، به شدت و تضعف تبخیر و سپس نفوذ تدریجی آب در طبقات زمین بستگی دارد.

الف: عوامل افزایش آب دریای خزر

۱- نزولات جوی: توزیع بارندگی در سواحل دریای خزر یکسان نیست

۲- آبهای رودخانه‌ای: تاثیر آبهای رودخانه‌ها در بالا آوردن سطح آب بیش از ریزش مستقیم باران است. تا ۸۰ درصد از حجم آبها که سالانه وارد دریای خزر می‌شود، از رودخانه ولگا است

ب) عوامل کاهش آب دریای خزر

عواملی که سبب کاهش آب دریای خزر می شود، درجهٔ اول تبخیر و سپس نفوذ آب در طبقات زمین است. تبخیر بر اثر افزایش درجهٔ گرما، وزش باد و ازدیاد املاح صورت می گیرد و چون در ساحل شرقی، به علت مجاورت با بیابانهای خشک اثر این عوامل شدیدتر است، تبخیر نیز زیادتر از ساحل غربی صورت می گیرد.

پدیده های جغرافیایی پیرامون دریای خزر و تاثیرات اقتصادی آنها:

۱- شبه جزیره میانکاله: این شبه جزیره در جنوب شرقی دریای خزر بین دریا و خلیج گرگان واقع شده است. مجمع الجزائر آشوراده در امتداد شبه جزیره میانکاله واقع شده است.

۲- خلیج گرگان: خلیج گرگان به شکل یک سه گوش نامنظم در جنوب شرقی دریای خزر واقع شده که به وسیله شبه جزیره میانکاله از دریای خزر جدا می شود.

۳- مرداب انزلی: مرداب انزلی به وسعت ۹۰ کیلومتر مربع در قسمت جنوبی بندر انزلی قرار گرفته است. طول این مرداب در حدود ۳۰ کیلومتر و عرض آن ۳ کیلومتر است.

خلیج فارس:

خلیج فارس تنها معبر دریایی است که ایران را از طرف جنوب به اقیانوسهای آزاد مربوط می سازد. به همین جهت در تحولات اجتماعی، اقتصادی کشور موقعیت بسیار حساسی را دارا می باشد. چون بر سر راه دریایی خاورمیانه نیز واقع شده، از نظر سوق الجیشی نیز اهمیت دارد.

پدیده های جغرافیایی سواحل خلیج فارس و اثرات اقتصادی آنها

۱- خور موسی: خور موسی مانند زبانه ای در دریا پیش آمده و بندر امام خمینی در مسافتی دور از دهانه آن واقع شده است. زمینهای دو طرف این خور، فوق العاده پست است و در موقع مد دریا قسمت زیادی از آن در امواج فرو می رود. خور موسی از عوارض عمیق ساحل خلیج فارس است که عمق آن بین ۳۰ تا ۴۰ متر می باشد. ببه همین جهت کشتیهای نسبتاً بزرگ میتوانند به آسانی وارد شوند.

۲- جزیره هرمز

جزیره هرمز، به فاصله ۸ کیلومتر از بندرعباس، در شمال جزیره لارک قرار دارد. این جزیره دارای نمک بلورین و معادن خاک سرخ است. این جزیره دارای نمک بلورین و معادن خاک سرخ است. این جزیره رابه علت موقعیت جغرافیایی و مجاورت با تنگه هرمز، کلید خلیج فاری می دانند. همین موقعیت است که آن را از نظر سوق الجیشی و بازرگانی از اهمیت خاصی برخوردار ساخته است.

۳- جزیره قشم

جزیره قشم در شمال تنگه هرمز واقع شده است و بزرگترین جزیره خلیج فارس محسوب می گردد.

جزیره قشم، از لحاظ داشتن اراضی مستعد کشاورزی و آب شیرین، از مهمترین نقاط خلیج فارس به شمار می رود.

۴- جزیره خارک:

جزیره خارک در فاصله ۶۵ کیلومتری شمال غربی بوشهر واقع شده است. و مانند جزایر هرمز و قشم، دارای موقعیت ممتاز نظامی و تجاری است.

جزیره خارک با مزایای طبیعی و سواحل عمیقی که دارد برای ایجاد لنگرگاهها برای پهلو گرفتن نفتکشهای اقیانوس پیما بسیار مناسب است.

دریای عمان

دریای عمان قسمتی از اقیانوس هند و تنها دریای آزاد ایران است. خلیج فارس توسط تنگه هرمز و از طریق این دریا با تمام دنیا ارتباط دارد.

کناره های ایران در دریای عمان دارای بریدگیهای بسیار است که خلیجهای محلی کوچکی تشکیل می دهند، اما این خلیجها به علت عمق کم و ماسه ای بودن کناره، قابل استفاده کشتیهای بزرگ بازرگانی نیستند.

ج) احداث سد و تامین آب در ایران
اصطلاح فارسی سد، بند است و در ایران
باستان انواع سد را بند می نامیدند.

سد مانعی است که در مقابل یک جریان
طبیعی آب ساخته می شود تا از جریان
جلوگیری یا آنرا تنظیم کند. همچنین سد از
جریان بی مورد آب جلوگیری می کند و
امکان بهره برداری صحیح از آن را فراهم
می سازد.

با توجه به هدف ایجاد سدها و بهره برداری از آنها سدها را به طور کل می توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱- سدهای مخزنی، در پشت خود، مخزن آب یا دریاچه ای تشکیل می دهد که از آن در زمینه های مختلف استفاده می شود. مانند سدهای کرج، لیتان، دز، سفید رود و شمگیر و غیره. سدهای انحرافی، برای انحراف و سوار کردن آب رودخانه به کانال آبرسانی ساخته می شود.

آبهای زیرزمینی

در اثر نفوذ قسمتی از آب باران و آب حاصل از ذوب برفها، آبهای زیرزمینی تشکیل می شود. شیوه های استفاد هاز منابع آبهای زیرزمینی متفاوتاست. آبهای زیر زمینی ممکن است خود به طور طبیعی از زمین خارج شود و جریان یابد(مثل چشمه ها) یا در اثر کندن و حفر قسمتی از زمین آن را خارج می کنند ومورد استفاده قرار می دهند(مثل چاه و قنات)

۱- چشمه ها

اگر آب مخازن زیر زمینی به سطح زمین برسد، محل خروج آن را چشمه می گویند.

ابها نافذ و زیرزمینی همین که به داخل زمین نفوذ کرده و بستر سخت و غیر قابل نفوذی برخورد نماید به صورت سفره های آب زیر زمینی در اعماق زمین باقی می مانند یا از طریق منفذی از داخل زمین در دامنه کوهها و پایکوهها ظاهر می شود.

در آبیاری فلات ایران چشمه ها دارای اهمیت فوق العاده ای بوده و می باشند.

چاهها

چاه عبارت است از یک سوراخ کم و بیش و استوانه که در زمین احداث می کنند تا بتوانند به وسیله طناب یا قلمه، آب را عمق آن خارج سازند. روش آبیاری با چاه در نقاط در نقاط بسیار پراکنده از ایران رواج کامل داشته و دارد. دو گونه چاه یکی چاههای نیمه عمق و دیگری عمیق از اهمیت برخوردارند.

قناتها

حفر قنات قدیمترین و بزرگترین اقدام ایرانیان در تهیه آب از روزگار باستان بوده است. ایرانیان مبتکر حفر آن بوده اند امروز نیز حفر قنات و استفاده از آبهای آنها در آسیای میانه خاور میانه و شمال آفریقا معمول و متداول است. برای احداث قنات، ابتدا چاههای عمیقی به عمق ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر به نام «مادر چاه» در پایکوهها یا در دامنه های با شیب مناسب به قطر ۱ تا ۲ متر حفر می کنند.

اهمیت قنات و لزوم حفظ آنها در ایران
قناتهای ایران از جنبه های مختلف
همچون قدمت، حجم و ارزش اقتصادی،
میزان آبدهی، طول عمر و مدت بهره
دهی و ارزان بودن آن قنات نسبت به آب
چاههای عمیق دارای اهمیت است و بدین
علت می بایست در حفظ آنها کوشش
نمود.

برای تامین مطمئن آب مورد نیاز کشاورزی،
شهری و صنایع هدفهای بلند مدت و خط مش
های اساسی توسعه منابع آب شرح ذیل خواهد
بود.

- الف) تامین آب مورد نیاز کشاورزی
- ب) تامین آب مورد نیاز شهرهای و صنایع
- ج) کنترل آبهای سطحی برای تولید برق و
جلوگیری از خسارات ناشی از طغیان
- د) کنترل کیفیت و نگهداری منابع آب کشور

در مورد مسئله تامین آب، برای کاهش میزان وابستگی به طبیعت و یا در نظر گرفتن امکانات و مشکلات، خطی مش های اساسی توسعه منابع آب به شرح ذیل می باشد:

- جلوگیری از هدر رفتن آبها - بهره برداری از اب رودخانه مرزی بهره برداری هماهنگ از آبهای سطحی و زیرزمینی
- جلوگیری از شور شدن آبها - اجرای طرحهای وسیع آبخیز دار
- بهره برداری از ابهای زیرزمینی - احداث شبکه های زهکشی
- تمیز نگهداشتن کانلها و یا جویهای آبیاری - آبیاری صحیح
- استفاده از روشهای جدید آبیاری - تنظیم برنامه آبیاری
- انتخاب گیاهانی که احتیاج به آبیاری کمتری داشته باشند.
- استفاه بهتر از آب بارندگی - کاهش تبخیر و تعریق

خاک

یکی از عوامل مهم موفقیت در کشاورزی حاصلخیزی خاک می باشد.

به طور کلی منابع خاکی کشور را می توان براساس قابلیت آن برای کشاورزی به سه گروه خاک خوب، متوسط، بد و نامناسب تقسیم بندی کرد.

صنعت مشخصه خاکها ایران سنگی و قلوه سنگی بودنشان در کوهها و دامنه ها و شور بودنشان در اکثر نقاط می باشد و اغلب به علت شور بودن آبهای زیر زمینی است.

● خاکهای ایران را با توجه به توزیع آنها به سه دسته مهم تقسیم می کنند.

● ۱٪ خاک جلگه و دشتها و دره ها که منشاء تشکیل آنها علاوه بر آب، باد نیز موثر می باشد.

● ۲٪ خاکهای فلات و عدم وجود پوشش گیاهی و دنبال آن فقدان گیاهان لازم برای تشکیل خاکبرگ، از حوزة مشخصه آنهاست .

● ۳٪ خاکهای اطراف دریای خزر که به علت وجود آب و هوای مرطوب وضعی کاملاً متفاوت با سایر نقاط ایران دارند.

جنگل و مرتع (پوشش گیاهی)

۱- پوشش گیاهی ناحیه خزری، شامل جنگلهای انبوه، نیمه انبوه و چمنزارهای سرسبز دائمی و پهناور می باشد. علت این امر، بارش فراوان، خاک مساعد و دما ملایم است که موجب دایش گیاهی و ممتد در آن شده است.

۲- پوشش گیاهی در ناحیه معتدل کوهستانی
ناحیه کوهستانی ایران از پوشش گیاهی کامل و
ممتدی برخوردار نیست. در جاهای که برف و
باران بیشتری می بارد و به علت پایین بودن دما
تبخیر به کندی صورت می گیرد، رویش گیاهان
بیشتر است و جنگل نیز دیده می شود.
بارزترین این جنگلها، جنگلهای غرب ایران است که
چون بیشتر درختان آنها بلوط است به جنگلهای
بلوط معروف اند.

۳- پوشش گیاهی در ناحیه بیابانی و نیمه بیابانی
در ناحیه بیابانی به علت باران کم و نامنظم
و تبخیر زیاد وزش باد، پوشش گیاهی ممتدی
وجود ندارد. در این ناحیه تنها گیاهان می توانند
رشد کنند که در مقابل گرما و خشکی هوا
مقاومت داشته باشند.

در قسمت نیمه بیابانی ایران، به سبب ریزی برف و
باران بیشتر نسبت به ناحیه بیابانی و داری
ابودن طبقه خاک ضخیمتر، شرایط رشد گیاهان
می باشد.

الف- انهدام پوشش گیاهی

دگرگونیهای که از طریق تخریب جنگلها و تنک شدن استپها در تعادل محیطی طبیعی به وجود آمده اند بسیارند ولی مهمترین آنها یک تغییرات و تأثیری است که بر روی شرایط آب وهوایی منطقه نداشته و دیگری که شاید بتوان مهمترین یامد انهدام پوشش گیاهی است همانا از بین رفتن و یا جابجایی خاکهای مرغوب است که تا به امروز نیز بدون وقفه ادامه دارد.

ب) فرسایش خاک

فرسایش خاک از موضوعات مهمی است که نتیجه اعمال بشر و تحت اختیار او می باشد. فرسایش خاک به عنوان یکی از نمودهای جانبی انهدام پوشش گیاهی در تمام مناطق اقلیمی به شمار می آید، که در ایران به دو عامل ابهای جاری و باد وابسته است.

ج) جنگلکاری مصنوعی

با توجه به نتایج فاجعه میز انهدام پوشش گیاهی و فرسایش ناشی از آن در خاک، از مدتی قبل اقداماتی برای جلوگیری و رفع ضایعات آن و همچنین ایجاد تعادل اکولوژیکی مجدد به عمل آمده است. کوششهای مربوط به جنگلکاری مصنوعی اقداماتی نظیر ساختن موانع خطی در مقابل باد، ممنوعیت چرا، تثبیت های ماسه های روان، بهسازی چراگاهها، مقابله با فرسایش ونظایر اینها را در بر می گیرد.

منابع دریایی دریا یکی از بزرگترین منابع پروئینی
مصرفی در جهان می باشد.

۲۷۰۰ کیلوگرم مرز دریایی در قسمتهای شمالی
و جنوبی ایران، منبع مهم بالقوه ای است تا ما
بتوانیم از این منبع خدادادی بهره مند شویم، اما
صید و سطح برداشت از این آبها به خاطر توسعه
کم در صنعت ماهیگیری نسبت به دیگر کشورها تا
حدودی ناچیز است.

ماهگیری در دریای خزر

کمبودهای ماهی در دریای خزر، دلایل مختلفی دارد که اهم آن عبارتند از:

– صید بی رویه ماهی در دریای خزر

- پر شدن رودخانه های مشرق به دریا و مرداب انزلی از رسوبات

- رواج سمومات ناشی از مبارزه با آفات نباتی و مسومیت
ابهایی که ماهیها در فصل تخم ریزی به آنجا می روند.

- – آلودگی آب رودخانه بر اثر احداث کارخانه ها و در مجاورت
آنها ورود فاضلاب به مرداب انزلی

- – احداث سدهای متعدد بر روی رودخانه هایی که به این
دریای می ریزند.

ماهگیری در آبهای جنوب

خلیج فارس اگرچه از نظر کشتیرانی در حکم دریای آزادی به حساب می آید، ولی از نظر استفاده از منابع طبیعی آن، اعم از ماهی و منابع حیوانی عنق دریا مانند صدف، مرجان، و غیره و منابع معدنی زیر کف دریا مانند نفت در حکم ملک مشاع کشورهای خلیجی است.

ساخت زراعی ایران

در شرایط حاضر، ساخت زراعی ایران از نظر مالکیت بر اساس خرده مالکی و از نظر بهره برداری بر اساس تولید در واحدهای کوچک دهقانی استوار است. البته در کنار این مالکیت غالب، مالکیت و بهره برداری نسبتاً بزرگ وجود دارد.

تولیدات کشاورزی ایران

تولیدات عمده کشاورزی ایران بر حسب نوع مصرفی که دارند می توان به دو قسمت عمده تقسیم نمود:

۱- محصولات غذایی کشاورزی، شامل غلات، چغندر، حبوبات، سبزیها و میوه ها

۲- نباتات عمده صنعتی

علاوه بر اقلام فوق گیاهان دیگری وجود دارند که مصرف دارویی و رنگرزی دارد مانند گل گاوزبان، گل ختم، گل محمدی، نیل و روناس.

محصولات غذایی کشاورزی

غلات

شرایط طبیعی کشت و برداشت گندم و جو نزدیک به هم است. تقریباً در تمام زمینهایی که در آنها زراعت گندم امکان دارد، جو نیز به عمل می آید. این دو محصول در نقاطی خوب می رویند و رشد می کنند که هوا زرد گرم می شود و باران کم است.

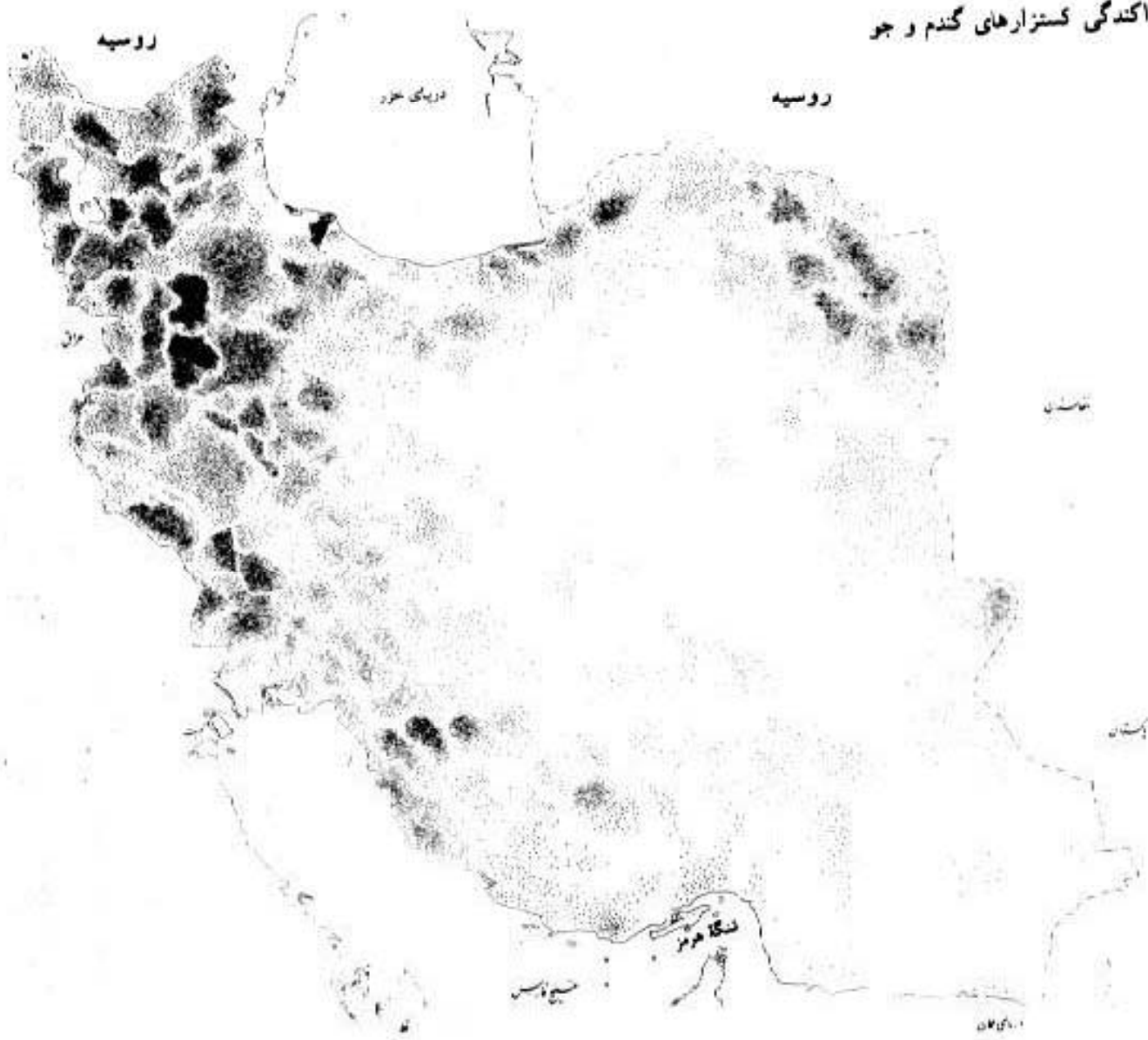
گندم و جو

گندم یکی از مواد غذایی ضروری و قوت اصلی اکثریت عظیمی از مردم ایران را تشکیل می دهد.

گندم را معمولاً در پاییز می کارند و احتیاج چندانی به کود ندارد. در منابع جلگه ای کشت گندم آبی است و به بیان دیگر، زمین زیر کشت گندم را آبیاری می نمایند و در تپه های و دامنه کوهها کشت گندم به صورت دیم است که عملکرد آن بسیار کمتر از کشت آبی است.

شرایط طبیعی کشت و برداشت جو مانند گندم است .
جو نیز در اکثر نقاط ایران به عمل می آید.

اکندگی کشتزارهای گندم و جو



پراکنندگی کشتزارهای گندم و جو

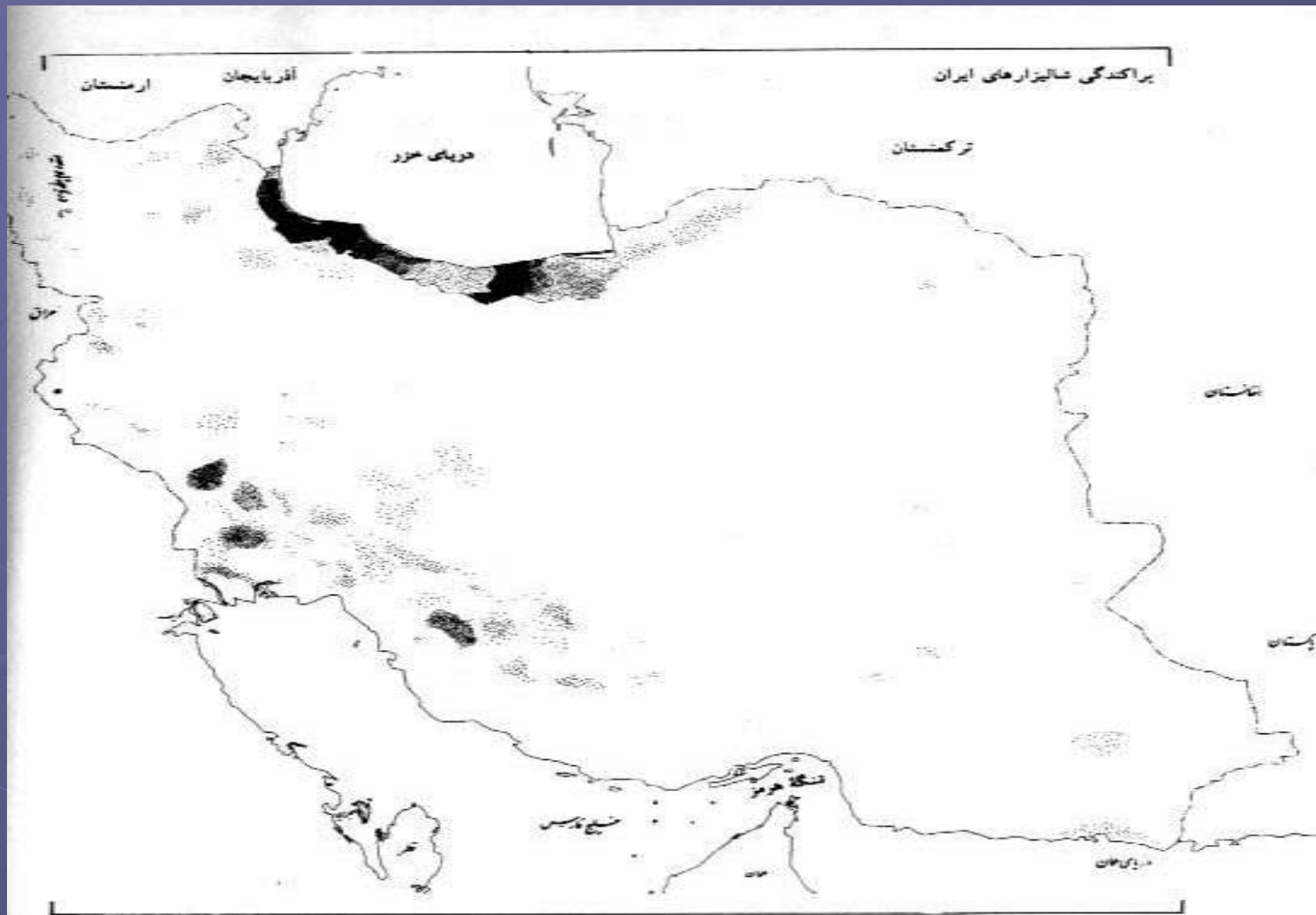
به گندمی که در بهار کاشته می شود
گندم بهار می گویند. چنانچه گندم
پاییزه را در بهار بکارند سبز می شود
ولی محصولاً نمی دهد اگر گندم
بهاره در در پاییز کشت شود در
سرمای زمستان مقاومت نکرده و از
بین می رود.

هر تخم گندم هفت تا هشت تخم می دهد و
نقاطی مانند خوزستان و سیستان
و بلوچستان، در صورت وجود باران یا آب
کافی، از هر تخم گندم هفتاد تا هشتاد تخم
برداشت نمود حدود یک سوم زمینهای
زراعی کشور هر ساله زیر کشت گندم می
رود. یک سوم زیر کشت آبی است و دو
سوم دیگر آن به صورت دیم است.

برنج

برنج یکی از مهمترین محصولات خوراکی و غذایی است که زراعت آن در اکثر نواحی پرآب جهان رواج دارد.

افزایش مصرف برنج در یاران به علت افزایش زیاد جمعیت کشور، معروفیت عمومی آن، سوبسید دولت و افزایش درآمد طبقات پایین است.



براکندگی شالیزارهای ایران

معروفترین نواحی تولید کشت برنج در استان گیلان ،
لاهیجان ، رشت و لنگرود، انزلی و فومنات است.
استان مازندران نیز از نظر زراعت برنج پس از گیلان
در مقام دوم قرار دارد.

گرچه مرکز اصلی کشت برنج در جلگه های ساحلی
دریای خزر می باشد و حدود ۸۱ درصد برنج کشور در
نواحی تهیه می شود، ولی کشت برنج را نباید در سایر
نواحی خاصه خوزستان، فارس، و اصفهان نادیده
گرفت. از نظر تولید انواع برنج، بهترین نوع برنج
در گیلان به عمل می آید.

خرما

در تمام مناطق جنوبی ایران، جز در ارتفاعات، خرما به عمل می آید. مناطق مهم تولید خرما در ماستانهای خوزستان، فارس، بوشهر، کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان است.

از بین دهها نوع خرما که در مناطق مختلف ایران تولید می شود، تنها یک نوع خرما از محصول خوزستان که خرمای سایر نام دارد، به خارج صادر می گردد.

محصولات صنعتی

نیشکر و چغندر قند

صنعت تولید شکر و قند از نیشکر در ایران سابقه طولانی هزار ساله دارد. از آنجا که کلمه خوز به معنای شکر و خوزستان به معنا شکرستان است پیداست که کشت محصولا نیاز به آب و هوای گرم و مناسبی چون خوزستان داشته و از دیر باز مورد استفاده مردم این سرزمین بوده و است.

کشت چغندر در ایران

هم اکنون در نواحی سردیسر در استانهای خراسان، فارس، اصفهان، کرمانشاه، همدان و آذربایجان چغندر قند کشت می شود. لاین به یادآوری است که از هر تن چغندر قند ۱۳۰ تا ۱۵۶ کیلو شکر، ۵۰ کیلو ملاس و ۷۵ تا ۱۰۰ کیلو تفاله خشک حاصل می شود و بقیه آب است.

در حوزه های چغندکاری بیکاری نسبتاً کمتر است، زیرا برای هر تن چغندر در کشاورزی سنتی دست کم ۸ نفر کارگر لازم است. در مزارع مکانیزه برای برداشت هر تن، دو تا سه نفر در زور باید کار کنند.

کشت نیشکر در ایران

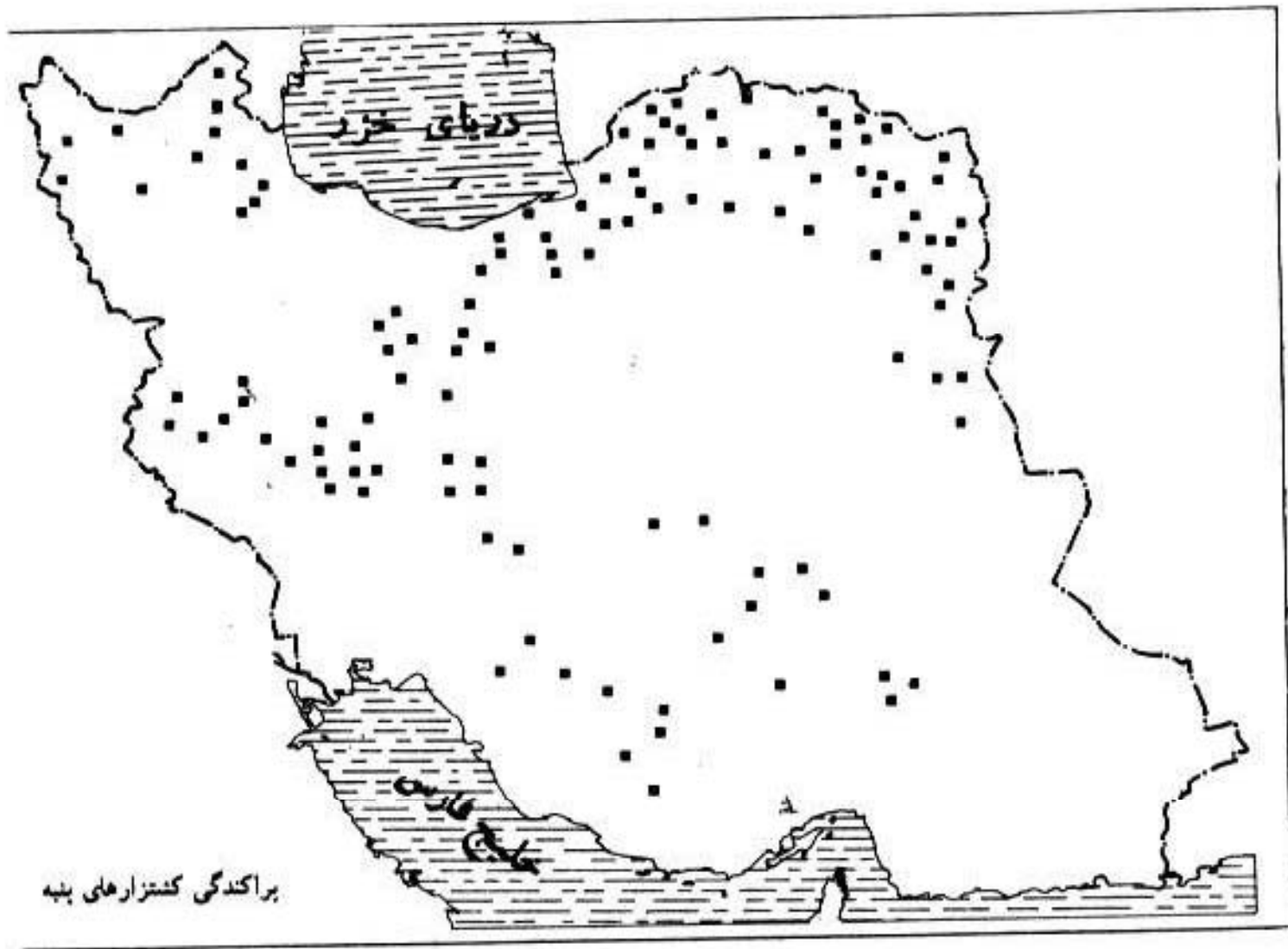
اهمیت قند و شکر در تغذیه و اقتصاد قند و شکر یکی از مواد غذایی مهمی است که از دیر باز در دنیا مورد توجه بوده است.

زیرا یکی منابع انرژی زایی که می تواند جانشین بعضی از مواد غذایی شود، به ویژه در کشورهای جهان سوم که غالباً از تولید و تهیه منابع انرژی غنی تر از قبیل پروتئین و غلات محروم هستند. از طرفی صنعت قند هم با استفاده از چغندر با نیشکر، وابستگی مستقیم به کشاورزی دارد.

پنبه

پنبه در نواحی گرمسیر که درجه حرارت هوای تابستان آن بین ۲۵ تا ۳۰ درجه باشد به خوبی رشد می کنند. دمای کمتر از ۱۴ درجه برای بوته پنبه نامطلوب است. خاک مناسب برای پنبه کاری، رسی، شنی و خاکهای دلتایی است. چنبه در دوره رشد به آبیاری کافی نیازمند است.

تمام نقاط ایران ، بجز ارتفاعات سردسیری
و نواحی کویری و بابانی ، برای کشت
نبه مناسبی است. از این رو، در نواحی
گنبد و گرگان ، خراسان ، استان مرکزی
فارس ، آذربایجان شرقی، کرمان و
اصفهان و در برخی دیگر کشتزارهای
متعدد کم و بیش وسیع نبه وجود دارد.



پراکنندگی کشتزارهای پنبه

پراکنندگی کشتزارهای پنبه

زراعت پنبه در مقایسه با سایر زراعت‌های
متداول در منطقه، از نظر اشتغال زایی
از اهمیت زیادی برخوردار است نیاز بسیاری
از صنایع وابسته به به از قبیل کارخانه

پنبه

پاک کنی، روغن کشی، ریسندگی، و
بافتندگی و غیره در منطقه گرگان و گنبد
تولید می شود.

دلایل کاهش تولد چنبه عبارت از :

روشن نبودن وضع مالکیت زمینهای زراعی، عدم امنیت در امر کاشت، داشت و برداشت و سرمایه گذاری در زراعت چنبه، انحلال تعداد زیادی از شرکتی زراعی، خروج بسیاری از کشتکاران عمده پنبه از منطقه، تضعیف مدیریت در سازمانهای کشاورزی مناطق شمالی و عدم جایگزینی مدیریتی مناسب برای بهره برداری از واحدهای مزبور و، عدم تامین به موقع وسایل غنی کشاورزی و قطعات یدکی و خرابی موتور پمپهای تامین آب و بالاخره تمهیداتی که برای توسعه کشت به عمل آمد و قسمت عمده اراضی مناسب چنبه کاری شما کشور در بر گرفت.

تولیدات مهم دیگر کشاورزی

پسته

تولید پسته اخیراً به علت اهمیت صادراتی آن افزایش یافته است استان کرمان حدود ۹۰ درصد از تولید پسته را به عهده دارد و بعد از قزوین و دامغان در درجه دوم اهمیت با تولید حدود ۱۰ درصد قرار دارند. تولیدات کرمان وبه ویژه رفسنجان و بشتربه خارج صادر می شود، در حالی که تولیدات دیگر نواحی مصرف داخلی دارد.

زعفران

ایران بزرگترین تولید کننده زعفران در جهان است. مرکز اصلی تولید در خراسان جنوبی است که حدود ۶۷۵۰ هکتار از زمینهای منطقه تحت کشت این محصول است و تولید آن حدود ۳۰۲۲۵ کیلوگرم است و متوسط به دست آمده در هر هکتار بین ۵ تا ۱۰ کیلوگرم است.

محصولات دامی نزدیک به ۴۰ درصد از ارزش تولیدات ناخالص کشاورزان را در بر می گیرد و تعداد دامهای ایران حدود ۹۰ میلیون راس تخمین زده می شود. که حدود ۷۰ میلیون راس آن گوسفند و بز می باشد.

کل مراتع ایران حدود ۹۰ میلیون هکتار می باشد که مراتع خوب ۱۴ میلیون، مراتع متوسط و ضعیف ۶۰ میلیون و مراتع باقیمانده نمکی ۱۶ میلیون هکتار است و کل مراتع موجود جهت چرای ۱۶ میلیون دام کافی است.

شناخت قطبهای کشاورز و مسائل آن در ایران

آب و هوای خاک از جمله عوامل موثر در پیدایش و گسترش فعالیتهای کشاورزی است. از این رو در هر جا رطوبت، دمای کافی، خاک و نور مناسب وجود داشته باشد تولید فراورده های کشاورزی به کوشش روستاییان و قدرت سازماندهی آنان رونق یافته است.

الف- ناحیه شرقی

از ویژگیهای این ناحیه کمی آب و رطوبت و تغییرات زیاد دمای هواست. مناطق استوایی کشاورزان این ناحیه به چند قسمت تقسیم می شود:

۱- دره کشف رود و خراسان شمالی

این قسمت از نظر دما معتدل است و دره های آبرفتی پر آب و خاک مناسب دارد. در نتیجه، د رمراعات میان کوهها دامداران رونق دارد و کشاورزان تجاری مخصوصاً کشت جغندر قند، متداول و کشت گندم دیم و آبی و تولید انواع، کشتزارهای وسیعی را اشغال کرده است.

۲- جلگه های دهانه هیرمند

سرزمینهای آبرفتی دهانه هیرمند با آب و هوای گرم برای کشاورزان مناسب است. در کنار دریاچه هامون باتلاقهای مجاور آن در ماههای گرم سال از زیر آب بیرون می آید، مراتع نسبتاً فقیری دیده می شوند که چرای فصلی دامها را مقدور می سازد.

ب) زاگرس و کوههای مرکزی
کوهستان زاگرس شامل رشته کوههای
مرتفعی است با آب و هوای معتدل
کوهستانی که ریزش باران و برف در آن از
شمال یخ جنوب و از غرب به شرق کاهش
می یابد. پوشش برف کوهستانی بسیار غنی
است. باران کافی دارد. در اینجا
دامپروری به شکل کوچ نشینی غلبه دارد.

۱- چاله اصفهان - سیرجان

سرزمینهای واقع در این چاله میان کوههای مرکزی و پیشکوههای شرقی زاگرس محصور است. کوهها و کوهپایه های آن معتدل تا گرم و سرزمینهای پست چاله همه جا گرم اند. در این قسمت به شکل متمرکز است و در مراتع کوهستانی و پراکنده آن مردم به کار دامپروری نیز اشتغال دارند.

۲- کوهپایه های یزد و کرمان

سرزمینهای نسبتاً بلند این ناحیه معتدل و چاله های آب گرم است. در حواشی این کوهپایه ها، آبادیها و روستاها و مراکز سکونت انسان به صورت واحدهای جدا از هم گسترده است.

صیفی جات مرکبات، خرما و پسته منطقه کرمان از معروفیت خاصی برخوردار است.

از نظر خرما، خرمای مضافتی بم و همچنین خرمای بزمانی شهداد بهترین نوع محصول خرما به شمار می رود.

ج) ناحیه آذربایجان

ناحیه آذربایجان دارای کوههای از هم گسسته می باشد. زمستانهای آن سرد و طولانی است و کوهها دارای پوشش برف غنی می باشد.

در اینجا جنگل تقریباً وجود ندارد یا بسیار ناچیز است. در مراتع کوهستانی گله داری رایج است و در دره های کوهستانی و کوهپایه ها کشت دیم گندم و جو غلبه دارد.

۱- درهٔ فزل اوزن و نواحی شرقی دریاچهٔ ارومیه

زمینهای درهٔ فزل اوزن از رود فزل اوزن و شعبه‌های آن آبیاری میشود. با داشتن آب کافی و دمای معتدل کشت گندم و جو و تولید میوه در آن اهمیت دارد. کشت غلات به خصوص گندم و جو مهمترین فعالیت ناحیهٔ شرقی آذربایجان را تشکیل می‌دهد. به طوری که به عنوان یکی از نواحی غله خیز ایران مطرح می‌باشد.

۲- ناحیه غربی دریاچه ارومیه

به طور کلی شغل اصلی مردم این ناحیه کشاورزی و دامداری است و محصولات کشاورزی این ناحیه به دو دسته تقسیم می شوند: دسته اول محصولات سالانه شامل گندم، جو، برنج، آفتابگردان، چغندر قند، توتون، تنباکو، سیب زمینی، پیاز، سبزیجات، جالیز، نباتات علوفه ای و آفتابگردان روغنی.

دسته دوم که محصولات دائمی می باشند و شامل انگور، سیب، گلابی، میوه جات هسته دار، بادام، گردو، غیره می شوند.

(د) دامنه ها و کوهپایه های البرز

این ناحیه مشتمل بر کوهپایه های شمالی و جنوب
یالبرز و جلگه گرگان است:

۱- کوهپایه های جنوبی البرز

این کوهپایه ها به طور کل یخشک و دارای
زمستانهای سرد و نسبتاً طولانی است و بارش
زمستانی دارد. رطوبت و بارش آن از غرب به
شرق کم میشود. در این کوهپایه ها با کمک
آبیاری فرآورده های گوناگون کشاورزی مانند
گندم، جو، پنبه، چغندر قند، و انواع سبزی و
میوه میتواند تولید کرد.

۲- کوهپایه های شمالی البرز و جلگه کناره ای خزر

این کوهپایه ها و جلگه ها آب و هوای مرطوب با تابستانه نسبتاً گرم دارد. باران فراوان در آن فرو می ریزد و مقدار آن از غرب به شرق کاهش می یابد و خاکهای ناحیه در جاهای، پست، آبرفتی و در کوهپایه ها آبرفتی و جنگلی است و از نظر رویش گیاهان استعداد بسیار دارد.

منطقه جلگه ای

شامل تمام نواحی جلگه ای می گردد که از آستارا نشروع و به سمت شرق کشیده می شود. آب لازم برای آبیاری منطقه غرب عمدتاً توسط سفیدرود تامین می شود که این رود در داخل جلگه گیلان به شاخه های متعدد تقسیم می گردد و سطح وسیعی از اراضی کشاورزی غربی را آبیاری می کند.

منطقه کوهستانی

این ناحیه که از سمت شمال به جلگه کناره ای خزر محدود می شود چون سدی در برابر رطوبت دریای خزر قرار گرفته و از نفوذ آن به نواحی مرکزی ایران جلوگیری می کند.

زمینهای کشاورزی این منطقه به طور معمول به درون دره ها و حاشیه دوطرف رودخانه ها و شعبات متعدد آنها محدود می شود. این رودخانه ها نقش مهمی را نیز در آبیاری این زمینهای کشاورزی ایفا می کنند.

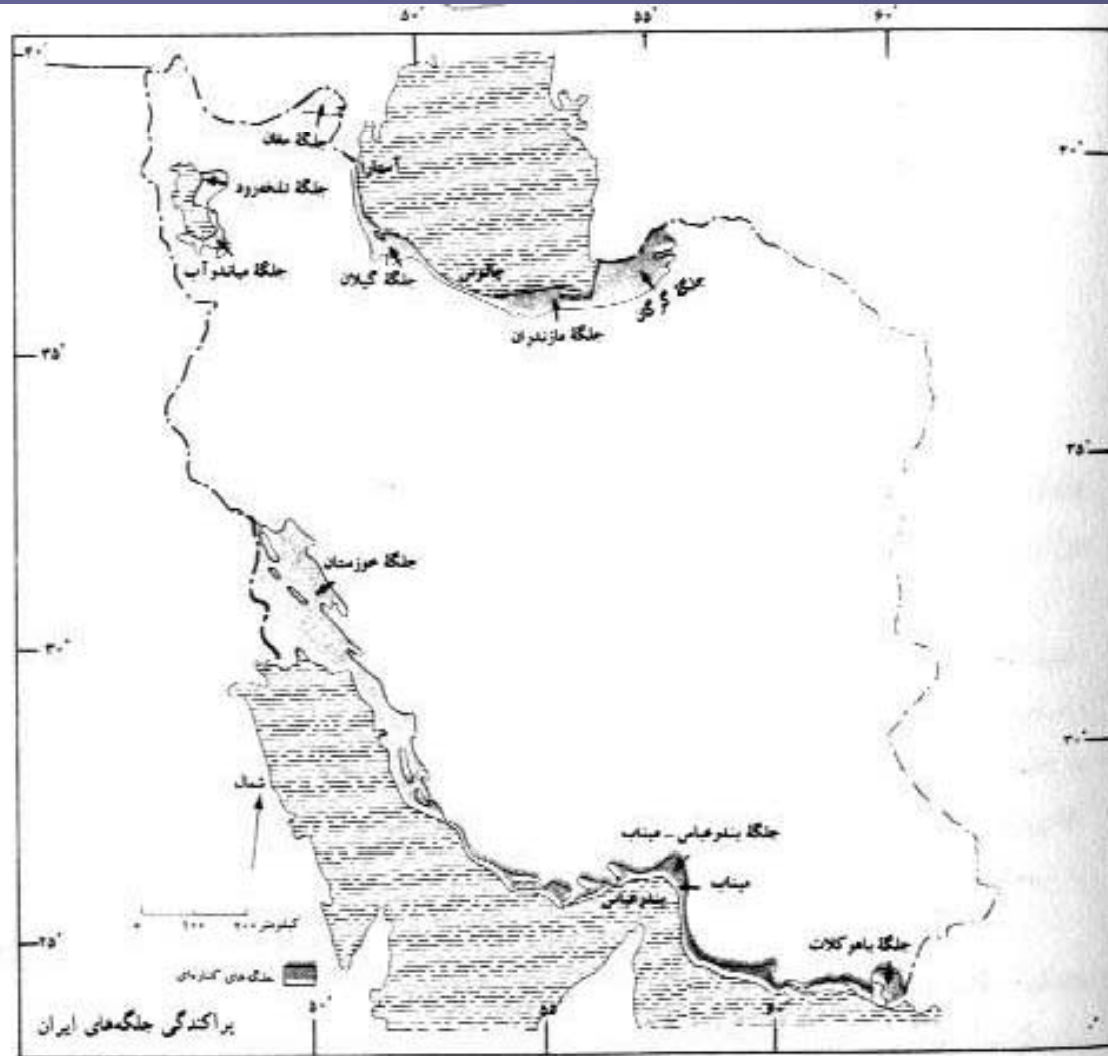
۳- دشت گرگان و کوهپایه های مجاور
دشت گرگان استپی است با پوشش از خاک
آبرفتی حاصلخیز، که مقدار باران آن از
قسمت خزری غربی کمتر و دمای هوا به
خصوص در تابستان زیاد است. این دشت
دارای کشتزارهای پهناور غله و پنبه
است. همچنین نزدیک به ۳/۲ تولید پنبه
کشور اختصاص به این ناحیه دارد که با
دو تن در هکتار مقام اول را دارد.

هـ) جلگه خوزستان

سطح جلگه خوزستان از آبرفت‌های نرم تشکیل شده است و کشاورزی در تمام این منطقه جلگه ای از اهمیت خاصی برخوردار است. به همین سبب، این جلگه را «جلگه زرخیز خوزستان» می نامند. جلگه خوزستان دنباله جلگه عظیم بین النهرین است که بسیار حاصلخیز و استعداد طبیعی خاک آن برای کشاورزی بسیار مناسب است.

مشخصات طبیعی اراضی در نقاط مختلف متفاوت است. در شمال به علت شیب زمین، اراضی بر اثر شستشو فاقد نمک و برای کشاورزی مساعدتر است. در قسمت مرکزی خصوصاً در نواحی اطراف اهواز، اراضی بیشتر باتلاقی و نمکی است و در قسمت جنوبی جلگه که از زمینهای پست تشکیل شده، بیشتر به پرورش نخل اختصاص دارد.

دامپرووری نیز در جلگه خوزستان از اهمیت برخوردار است و بیشتر به صورت کوچ نشینی انجام می گیرد. علاوه بر اسن، دامداری سنتی و مکانیزه نیز در جلگه خوزستان رواج دارد. قسمتی از دامپرووری آن به پرورش گاو میش اختصاص دارد که مرکز مهم پرورش آن کنار رودخانه و چند رود دیگر و نیز دشت آزادگان و دزفول است.



پراکنگی جلگه‌های ایران

بررسی سیاست‌های اعمال شده در بخش کشاورزی ایران

الف) دوران قبل از انقلاب اسلامی

کشاورزی ایران تا قبل از دهه ۱۳۴۰ علی‌رغم حاکمیت شیوه ارباب و رعیتی نه تنها احتیاجات غذایی و صنایع نساجی و سایر صنایع در رابطه با کشاورزی را تامین می‌نمود بلکه بخش عمده‌ای از تولیدات کشاورزی نیز به خارج صادر می‌گردید. ولیکن از این دهه به بعد بر اثر اعمال سیاست‌های نادرست و توسعه ناموزون اقتصادی بخش کشاورزی دچار وضعیت نابسامان و اسف‌انگیزی شد.

به طور کلی اصطلاحات اراضی، دارای سه هدف اعلام شده عمده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود که از مهمترین اهداف سیاسی آن، کاستن قدرت سیاسی ملکان بزرگ و ایجاد پایگاه اجتماعی در میان روستاییان و از اهداف اقتصادی آن نیز جایگزین کردن زراعت سودآور به جای زراعت سنتی، افزایش قدرت خرید روستاییان، توسعه بازارهای واقعی برای صنعتی در مناطق روستایی، افزایش بهره وری کشاورزی و بالاخره به کارگیری نیروی کار اضافی به منظور برآورد نیازهای صنایع شهری را میتوان نام برد.

شرکتهای سهامی زراعی

این شرکتهای نوع دیگری از واحدهای بزرگ کشاورزی می باشند که شش سال پس از آغاز اصلاحات اراضی به وجود آمدند. و با تشکیل این شرکتهای الگوی بهره برداری از زمین دگرگون شد و بهره برداری خانوادگی جای خود را به شرکتهای سهامی زراعی داد.

در شرکتهای زراعی بخشی از سرمایه به شکل ماشین آلات کشاورزی در اختیار شرکتهای قرار می گرفت. در هر شرکت سهامی زراعی درآمدها از دو منبع تامین می گردد: ۱- سود سهام ۲- مزد حاصله از انجام کار در شرکت

یکی از اثرات شرکت سهامی
زراعی در روند تفکیک شغلی
دهقانان تبدیل آن به
کارگران روزمزد از طریق
جداکردن آنان از زمین بود.

کشت و صنعتها

کشت و صنعتها نوعی واحد بهره برداری از نوع سرمایه داری اراضی هستند که دارای ویژگیهای زیر می باشند:

انجام عملیات کشت در سطح وسیع

تلفیق کار کشاورزی با کار صنعت

اهمیت دادن به سرمایه

استفاده از نیروی کار روزمزدی

انجام عملیات بازاریابی

استفاده از تکنولوژی جدید و کاربرد ماشین آلات

جدایی عامل کار و سرمایه از طریق ایجاد یک دستگاه

مدیریت صنعتی

ب) دوران بعد از انقلاب اسلامی
با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جدید و
نیز با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در
مجموعهٔ حیات اقتصادی - اجتماعی کشور،
اولویت بازسازی و توسعهٔ آن با توجه به
وابستگی معیشتی تقریباً نیمی از جمعیت کشور
به این بخش در راس برنامه قرار گرفت. در این
میان حل بنیادی مسئله اراضی به عنوان
مهمترین وظیفه که یکی از مشکلات عمده در
بخش کشاورزی بود، پیش روی نظام قرار گرفت

اینده بخش کشاورزی ایران: مسائل و مشکلات و راه حلها

وضعیت آینده بخش کشاورزی ایران به استفاده صحیح از ظرفیتهای تولیدی موجود در کشور و نیز رفع مشکلات تولید و عرضه محصولات کشاورزی بستگی دارد. در کاهش تولیدات محصولات کشاورزی، عوامل موثری دخالت دارند. چنانچه با این عوامل یا موانع به طور ریشه ای برخورد نشود مشکل بتوان برای رسیدن به خودکفایی از منابع تولیدی در بخش کشاورزی بهره برداری کرد.

الف) مشکلات تولید محصولات کشاورزی

۱- زمین

زمینهای قابل کشت کشور را بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون هکتار تخمین زده اند. در برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۶۳۲ تهیه شده است، بر آوردی که از زمینهای قابل کشت به دست داده شده عبارت است از ۳۳ میلیون هکتار با استعداد کشت خوب و حدود ۱۹ میلیون هکتار زمین کشاورزی با استفاده کشت متوسط

۲- آب

بررسیهای انجام شده در این زمینه، میزان آبهای قابل
مهار کشور را در حدود ۱۷۰ میلیارد متر مکعب تخمین
زده اند

در صورت مهار کردن و استفاه مطلوب و موثر از آب به
راحتی شاید تا ۱۵ یا ۲۰ میلیون هکتار زمین را ب.توان
به طریقه آبی کشت کرد. با توجه به اینکه در حال
حاضر زمین آبی زیر کشت کشور در حدود ۴ میلیون
هکتار است، بر آورد فوق نشان میدهد که امکانات
بالقوه و استفاده نشده بسیار زیادی در این زمینه وجود
دارد.

۳- تکنولوژی و دانش فنی

سومین عامل ظرفیت ساز افزایش تولید کشاورزی در آینده، تکنولوژی و دانش فنی است. باید توجه داشت که این عامل برخلاف عامل پیشین به وضعیت طبیعی لایتغیر محدود نمی شود.

نگاهی به فعالیتهای کشاورزی و بازده تولید در کشور ما نشان میدهد که متأسفانه در کشاورزی ایران استفاده از تکنولوژی و دانش فنی انچنان که باید جای مهمی ندارد

۴- مبارزه با آفات

موقعیت جغرافیایی خاص و وجود انواع نباتان گرمسیری و سردسیری در ایران سبب شده است که این کشور مرکز نشو و نمای انواع آفات نباتی باشد. هر چه سطح کشت نباتان افزایش یابد و تنوع بیشتری در کشت رواج یابد خطر آفات نباتی بیشتر می شود و زیرا نباتات خود عامل پیدایش آفات جدیدی میباشند. آفات نباتی ایران بر حسب نوع زراعت به شرح زیر تقسیم می شود:

- ملخ، سن و سایر حشرات زیان آور غلات
- حشرات زیان آور میوه
- حشرات زیان آور گیاهان صنعتی و زراعتهای صیفی و غیره

ب) مشکلات عرضه محصولات کشاورزی

۱- راه

راه به‌عنوان رگ حیاتی کشاورزان و به‌عنوان محور اقتصادی برای رساندن خدمات و امکانات و مبادلات محصولات کشاورزی ببه شمار می‌آید. احداث راه‌های روستایی جدید و توسعه راه‌های موجود به کشاورزان هر منطقه این امکان را می‌دهد که مازاد محصولات تولیدی خود را در مناطق مجاور یا شهرها و کارخانه‌های تبدیلی محصولات کشاورزی با آسودگی خاطر به فروش برسانند

۲- وسایل حمل و نقل

ایجاد نظام حمل و نقل منظم و گسترده و مناسب از عوامل اساسی برای رشد و توسعه کشاورزی است اگر چنین نظامی فراهم نباشد، ضایعات محصولات و فرآورده های اینبخش بیش از حد می گردد و عرضه محصولات به دشواری صورت می گیرد.

**۳- وسایل نگهداری محصولات در منطقه
از عوارض مهم نبود انبار وانبار داری مناسب،
نوسان قیمت محصولات کشاورزی است که
عامل تعیین کننده در بخش کشاورزی است.**

۴- صنایع غذایی

صنایع غذایی اغلب متکی به بخش کشاورزی است و محصولات کشاورزی را به محصولات قابل عرضه به بازار تبدیل می کند. برای مثال صنایع قند سازی، چای خشک کنی، برنج کوبی، آرد سازی، کمپوت سازی را میتوان نام برد.

۵- بیمه محصولات کشاورزی

افزایش بازدهی نیروی کار، منطقه ای کردن کشت و ترکیب کشت مطلوب، جلوگیری از مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها، اشاعه روشهای نوین کشاورزی، بهره برداری بهینه از منابع تولید و در نهایت دستیابی به هدفهای توسعه بخش کشاورزی تا حد زیادی در گرو توسعه نظام بیمه در جامعه روستایی و بخش کشاورزی است.

۶- سلف خری و واسطه گری

پدیده سلف خری آفتی بزرگ و در عین حال ناپیدا برای رشد تولید و ترغیب کشاورز به ماندن در روستا بوده‌است.

همچنین واسطه گری (میدان داری) مانعی بزرگ برای رسیدن کشاورز به ثمرات ناشی از فروش محصولات خویش می باشد.

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com